

# پیکار جوانان

## نشریه عمومی



جنبش انقلابی جوانان افغانستان

# جنبش انقلابی جوانان افغانستان

دور دوم شماره هشتم سنبله ۱۳۸۷ ( سپتمبر ۲۰۰۸ )

### سرمقاله

**دامنه، جنایات نیرو های اشغالگر روز بروز گسترده میشود**  
(روزگاری که آزادی و استقلال کشور تهدید می شود و افراسیاب با فیل لشکریانش در آستانه حمله بر...  
صفحه ۲



**گزارشی از بمباران هوایی قریه نوآباد - عزیزآباد ولسوالی شیندند ولایت هرات**

قریه نوآباد در قسمت جنوب غرب بازار عزیزآباد ولسوالی شیندند موقعیت داشته و اکثریت مردم این محل به ...  
صفحه ۴



### گزارشات تازه از شیندند

بعد از بمباران هوایی منطقه نوآباد - عزیزآباد شیندند، دولت دست نشانده جهت تسلیت مردم برای بازماندگان هر فرد کشته شده ۳ لک افغانی کمک نقدی می فرستد و در عین حال چند موتر گندم نیز به منطقه ارسال می کند.  
صفحه ۹



در تقبیح بمباران هوایی جنایتکارانه زیر کوه شیندند

**همه قدرت و توان مبارزاتی خویش را در مسیر برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی برای طرد اشغالگران و سرنگونی رژیم پوشالی متمرکز نماییم!**

اعلامیه ای که بمناسبت بمباران هوایی زیرکوه شیندند توسط جنبش انقلابی جوانان افغانستان بصورت سرتاسری پخش گردید.

## سرمقاله

## دامنه، جنایات نیرو های اشغالگر روز بروز گسترده میشود

روز شروع زندگی مشترکشان، پایان زندگی مشترک شان نیز بود، بیش از ۴۵ تن از هموطنان دیگر ما که در آن مراسم خوشی شرکت نموده بودند، نیز کشته شدند. مردم محل و برخی از مقامات محلی رژیم مزدور و وطنفروش اذعان میدارند که کشته شدگان تماماً ملکی اند، اما جنایتکاران و اشغالگران با بیشرمی تمام میگویند که کشته شدگان افراد طالبان اند. زهی بیشرمی و جنایت!؟

اینجاست که قلم از نوشتن این ددمنشی و سبعبیت و از کاربرد واژه و جمله ای که بتواند این جنایت را باز گو کند، عاجز میماند. در واقع زمانیست که دیگر زبان قلم و باز گو نمودن این درنده خویی ها به تنهایی کافی نیست، باید دست به مقاومت عملی زد و این گونه جنایات را با بیرون نمودن قوای متجاوز از کشور و سرنگونی رژیم دست نشانده پاسخ گفت.

کرزی وطنفروش و خاین، این شاه شجاع سوم، پس از این واقعه تراژدیک بگونه خیلی ارباب منشانه، هییتی را برای بررسی آن مامور نمود

تازه ترین موارد از این جنایات بمباران و لسوالی شیندند ( سبزوار )، چوره و غنی خیل است که مثل همیشه قربانی اصلی این وحشیگری ها مردم بی دفاع ملکی میباشند. میگویند تاریخ تکرار میگردد اما به گونه تراژدیک. چند سال پیش نیز این جنایت پیشگان مراسم عروسی و خوشی مردم بی دفاع ارزگان را به ماتم و عزا تبدیل نمودند و ده ها تن از اشتراک کننده گان درین جشن را به خون کشانیدند. اینبار نیز این جنایت به شیوه وحشت انگیز آن هموطنان ما را در ولایت ننگرهار به غم نشانده است.

روز دوشنبه ۱۷ سرطان هوا پیما های بمب افکن از نوع اپاچی قریه ده بالا در منطقه هسکه مینه ولسوالی شینواری ولایت ننگرهار را بگونه وحشیانه مورد هدف قرار دادند. این حمله بز دلانه که به یک مراسم عروسی صورت پذیرفت بر علاوه عروس و داماد ناکام، که در واقع

روزگاری که آزادی و استقلال کشور تهدید می شد و افراسیاب با خیل لشکریانش در آستانه حمله بر آریانای باستان قرار داشت، روحیه میهن پرستانه مردمان این سرزمین در برابر آن قد بر افراشت. آنگاهی بود که حماسه سرای بزرگ، فردوسی به همه ندا میکند:

چو کشور نباشد تن من مباد - برین بوم و بر زنده یکنن مباد

همه سربه سر تن به کشتن دهیم - از آن به که کشور به دشمن دهیم

امروزه هم این فریاد آزادی خواهانه باید در هر کوی و برزن این سرزمین بلند گردد. فردوسی این سخنانش را تنها برای معاصرانش نگفته، بلکه نسل های پسین را که در همچو شرایط قرار میگیرند، نیز مخاطب قرار میدهد.

امروزه نیز کشور و استقلال آن بدست متجاوزین و اشغالگرانی افتاده که از تبار افراسیاب هستند. امروز جنایت، سبعبیت، ددمنشی، کشتار، تجاوز، زندانی نمودن و ده ها مورد بی حرمتی به اتباع این سرزمین از سوی اشغالگران به اجرا گذاشته میشود که اگر جنایتکاران گذشته زنده می بودند، از حیرت لب به دندان میگزیدند. در کشور اشغال شده ما جنایت زیر نام دموکراسی بر مردم تحمیل میگردد، کشتار مردم ملکی را از بین بردن به اصطلاح تروریزم توجیه میکنند، آزادی کشور زیر نام به اصطلاح وحدت ملی به قمار گذاشته شده و میشود، قوت های مهاجم و اشغالگر که جنایات شان لرزه بر اندام هیتلر می اندازد، دوست خوانده میشود، شاه شجاع سوم، نمادی از وحدت ملی گفته میشود و ...

درین شرایط است که اشغالگران هر روز دست به جنایتهای تازه تر و گسترده می زنند و آزادانه و به بهانهء سرکوب طالبان دست به کشتار، قتل عام، و بی خانمان سازی مردمان بی دفاع ملکی میزنند و بار دیگر چهرهء ضد انسانی و دد منشانه شان را به نمایش میگذارند.





مقامات رژیم دست نشانده هم اجازه بازدید از محل را نمی دهند.

ابعاد این جنایت در کشور اشغال شده ما آنقدر وسیع و گسترده از پار و پیرار است که بر شمردن آن نیاز به زمان زیادی دارد. از سوی دیگر تنها چاره از میان بردن آن با یاد آوری و افشای آن نمیشود. درست است که این خودش نقش خود را دارد، اما چاره اساسی و اصلی از بین بردن همه این جنایات و دد منشی همانا مقاومت ملی مردمی و انقلابی و بسیج همگانی توده های کشور در مسیر نابودی کل سلطه نیرو های متجاوز و بیرون نمودن آنان از کشور و سرنگونی رژیم فاسد، پوسیده و خادم و خدمتگذار آنان است و فقط با مقاومت حق طلبانه فرزندان این مرز و بوم است که میتوان این شب وحشت انگیز را به صبح روشن تبدیل نمود.

پس باید با تمام توش و توان تلاش نماییم تا در فضای تاریک کشور آذرخش مقاومت را به درخشیدن بگیریم. مسئولیت بزرگ و سترگ همه افغانستانی ها و بویژه نسل جوان این سرزمین است که بدور از هر گونه وابستگی ملیتی، مذهبی، سمتی، صنفی و ... باهم گرد آیند و برای بیرون راندن نیرو های اشغالگر و سرنگونی رژیم مفلوک دست به مبارزه استقلال طلبانه بزنند و سنگر های مبارزه و مقاومت شانرا در هر کوی و برزن بر پا دارند و بهشت ساختگی اشغالگران و داره های جنایتکار بومی را به جهنم سوزان برای آنان تبدیل نمایند و سرزمین شان که شکنجه گاه ساکنین آن گشته است را به سرزمین برای زیستن واقعاً انسانی در پرتو استقلال و آزادی واقعی کشور برای مردمان کشور بسازند. با پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی همگانی است که دست متجاوزین جنایتکار و تفاله های بومی آنان برای همیشه از سر کشور و مردم آن کوتاه می گردد و مردم خود حاکم بر سرنوشت خود می گردند.

مرگ بر جنایتکاران و آدم کشان حرفه ای و متجاوز!

زنده باد آزادی، زنده باد استقلال!

به پیش بسوی مقاومت ملی مردمی و انقلابی در مسیر سرنگونی کل سلطه ای ارتجاع و امپریالیزم بر کشور!

و یا بنا به گفته ای معروف یاد بگیرند که اگر کسی پیرسد، شتر دیده ای؟ بگویند: نه ندیده ام.

جنایت دیگر از این گونه دو حمله جداگانه به روز ۵ شنبه ۲۷ سرطان در ولایت فراه و هرات در غرب کشور است. در حمله اول که پس از حمله طالبان بر کاروان نیرو های متجاوز صورت گرفت، جنگ میان دو طرف در گرفت که نیروهای متجاوز از نیروی هوایی کار گرفتند که در اثر این حمله هوای ۹ تن از اعضای یک فامیل کشته شدند و این موضوع از سوی نیرو های اشغالگر نیز تایید گردید ولی تنها به یک تاسف و معذرت خواهی کوتاه بسنده گردید.

حمله دومی در ولسوالی شیندند ولایت هرات صورت گرفت و تلفات کثیری از مردم ملکی را در پی داشت و مقامات محلی رژیم پوشالی نیز این موضوع را تایید نمودند. پس از این حمله که در نوع خود چندمین حمله هوایی بر مردم این منطقه است ساحه مورد نظر از سوی کوماندو های قوای اشغالگر امریکایی محاصره گردید و به هیچ کسی اجازه ورود به محل را نمی دادند و حتا افراد زخمی شده هم اجازه بر آمدن از منطقه را نداشتند. به گفته به اصطلاح رییس شورای ولایتی هرات آقا تور جان چند تن از مردم محل که میخواستند تا به وسیله موتر سایکل اجساد کشته شدگان و زخمی ها را از منطقه بیرون کنند از سوی نیرو های متجاوز بالای آنان فیر صورت پذیرفت و به آنان اجازه این کار داده نشد. چنانچه به گفته باشندگان محل یک جوان مجروح که در گوشه ای افتاده بود، اگر کسی که به کمک او میشتافت، از سوی جنایتکاران امریکایی به رگبار گلوله بسته میشد. این جوان نیز بنا بر زخمی که دیده بود در آن جا جان داد و دیگران بدون اینکه بتوانند کاری را برای نجات جان او انجام دهند، تنها شاهد جان دادن او بودند. چقدر درد آور است که انسان کسی را در حالت مرگ نظاره گر باشد ولی نتواند کمکی برایش انجام دهد.

دلیل این همه سببیت، جنایت، دیو صفتی و درنده خویی کاملاً روشن و مبرهن است. این جنایتکاران که آدمکشان حرفه بی هستند، در هر جایی که دست به جنایت و کشتار میزنند، برای پوشانیدن آن به هیچ کسی و حتا به

و این هیئت نیز همه کشته شدگان را افراد ملکی خواندند. پس از آن بیرک دوم به شکل ویژه و برای پرده پوشی این جنایت با حضور خود در آن منطقه بر مردم منت گذاشت و بدین گونه با وعده های فریبنده خود خواست تا مردم داغ دیده را دلداری دهد تا احساسات پاک آنانان فروکش نماید. وی بدین گونه ماهیت ضد ملی و مردمی خود را بیشتر از پیش آشکار نمود و نوکرمثی و آستان بوسی خود را برای اربابان جنایت پیشه اش اثبات کرد و هر چه بیشتر شرایط را برای جنایت آنان باز نمود.

پس از این حادثه غم انگیز، این گونه قتل و کشتار نه تنها پایان نپذیرفت، بلکه دامنه آن در نقاط مختلف کشور گسترده تر از همیشه گردید. از موارد دیگر آن، بمباران اهالی ولسوالی وایگل ولایت نورستان است که پس از حمله طالبان بر پایگاه نیرو های اشغالگر که در نتیجه آن ۹ سرباز آنان کشته و ۱۰ تن دیگر زخم برداشتند، صورت گرفت. قوای اشغالگر در پاسخ به این حمله دست به بمباران وسیع منطقه زد و بز دلانه مردم منطقه را که از ترس وقوع جنگ خانه هایشان را ترک می نمودند مورد هدف قرار داد که در نتیجه آن ده ها تن از هموطنان نورستانی ما به خاک و خون کشیده شدند. اما نیرو ها اشغالگر مثل همیشه کشته شدگان را از افراد طالبان خواند. ولی به اصطلاح والی نورستان تایید نمود که کشته شدگان همه افراد ملکی بوده اند که از بیم شروع جنگ در منطقه شان بگونه دسته جمعی در حال فرار بودند. درست دو روز بعد از این موضوع والی نورستان به فرمان شخص کرزی و طغفروش و شاید به گفته مقامات امریکایی بر کنار گردید و علت آنرا نیز اعلان نکردند. اما واقعیت به همه آشکار است. اول اینکه این موضوع نمایانگر این قضیه است که قربانی این جنایت همه مردم بی دفاع منطقه بوده اند و کرزی مزدور به اشاره اربابانش برای کتمان واقعیت این والی را سبکدوش نمود. دوم اینکه برکناری وی در واقع زنگ خطر و زهر چشم نشان دادن برای بقیه مقامات محلی رژیم دست نشانده است تا بی جهت زبان باز نکنند و جنایات را افشا نمایند، بلکه در قبال آنچه میگذرد خاموش بمانند و تنها نظاره گر و اجرا کننده دستور ها باشند و بگونه ای در جنایت دخیل شوند

## گزارشی

## از بمباران هوایی قریه نوآباد - عزیزآباد

## ولسوالی شیندند ولایت هرات

قریه نوآباد در قسمت جنوب غرب بازار عزیزآباد ولسوالی شیندند موقعیت داشته و اکثریت مردم این محل به دهقانی مصروف میباشند. تعداد زیادی از مردمان این قریه در میدان هوایی شیندند به عنوان عسکر امنیتی و یا کارگر روز مزد مصروف کار بوده و یکتعداد از جوانان آنها هم جهت کاریابی به بیرون از مرزهای افغانستان خصوصا به ایران مهاجر شده اند.

ایسکورت امنیتی میدان هوایی شیندند را یک کمپنی خصوصی امنیتی امریکایی بنام Armor Group برعهده دارد. این کمپنی امنیتی تعدادی از مردمان محلی را به صفت عساکر امنیتی تحت قومنده خویش درآورده است. این کمپنی خصوصی همچنان یکتعداد اجیر نیپالی را نیز استخدام کرده است که نیروهای اجیر شده محلی افغانستانی تحت تعلیم و نظارت نیپالی ها قرار دارند.

در میدان هوایی شیندند، در ابتدا شخصی بنام نادرخان از قوم علیزی سر پرست تیم امنیتی افغانستانی بود که تمامی نیروی ایسکورت میدان از طریق وی معرفی و مسلح میشد و سلاح های شان در نزد دفتر "آرمر گروپ" ثبت کتاب میگردد، با شروع فعالیت های بازسازی شرکتهای مختلف ساختمانی در درون میدان، شخص دیگری بنام تیمورخان فرزند لعل محمد ولدیت شاه نواز از قوم نورزی ساکن قریه نوآباد (یکی از روستاهای نزدیک عزیزآباد) در تباری با نیروهای امریکایی کوشش میکند تا خود را رقیب نادر خان معرفی نموده و ازین طریق خود بر منطقه تسلط پیدا نماید.

به هر حال، وی بعد از زد و بندهایی که از یک طرف با امریکایی ها و از طرف دیگر با نادرخان قومندان بر حال میدان داشت توانست یکتعداد از اقارب خویش را به میدان جا داده و زمینه کاریابی را برایشان مهیا نماید.

چون اختلافات قومی دایما در افغانستان تبارز می نماید، نیروهای اشغالگر دایما می توانند از چال سیاسی بهم اندازی های قومی نفع خود استفاده به عمل آورند. درینجا بطور مشخص امریکایی ها کوشش به عمل میاورند تا ضدیت میان نادر خان و تیمور خان بیشتر و بیشتر اوج یگیرد و از این طریق ضدیت میان علیزی ها و

نورزی ها نیز تشدید گردد. عساکر امنیتی نظام قراول افراد نادر و عساکر داخل میدان افراد تیمور بودند. افراد مربوط به تیمور دایما هنگام دخول به میدان و نیز هنگام خروج از میدان، از طرف نیروهای نادر اذیت و آزار میشدند و این مشکل بطور سیستماتیک و مسلسل دور میخورد و پیچیده تر میشد.

نزاع میان این دو نفر که هر کدام شان کلان قوم خود به حساب می آمدند باعث شد تا جبهه گیری میان هر دو نفر به شدت وحدت خود نزدیک تر گردد و رنگ قومی بخود بگیرد.

به تاریخ اول سنبله ۱۳۸۶، در اثر همین نزاع شخصی و قومی و حمله تیمور بالای منزل نادر و درگیری مسلحانه میان هر دو طرف، "تیمور" کشته میشود و همچنان تعدادی از افراد هر دو طرف در این درگیری کشته و زخمی می شوند.

این وضعیت، موضوع را پیچیده تر ساخت و نادر را وادار کرد تا عقب نشینی نموده و از صحنه کاملا کنار رود. چهل روز بعد از کشته شدن تیمور، اقارب تیمور بدورهم جمع شده و محمد رضا برادر تیمور را که ساکن شهر هرات میباشد جانشین وی تعیین می نمایند و او را بحیث کلان قوم شان می پذیرند. محمد رضا در اولین روز کاری خود جلسه خصوصی ای با کارمندان امریکایی "آرمر گروپ" برگزار می کند و از نیروهای ویژه میخواهد تا با وی همکاری نمایند. وی ادعا میکند که چون برادر تیمور در راه مبارزه حق طلبانه خویش جام شهادت نوشیده است، باید مسئولیت امنیت میدان کاملا به من تعلق بگیرد. او تقاضا می نماید که باید تمامی افراد نادر خلع سلاح شده و از میدان اخراج شوند و در عوض تمامی افرادی را که برادر دور خود جمع کرده بود به میدان داخل شوند و کارت سلاح شان در کتاب "آرمرگروپ" ثبت شود. گفته او را نیروهای امریکایی قبول میکنند و تمامی درخواست رضا خان را مو به مو به مرحله اجراء قرار میدهند.

در جریان یکسال بعد از کشته شدن تیمور، نادر آرام ننشست و به تهدیدات امنیتی و اخلال در امورات ساختمانی شرکتهای درون و بیرون از میدان دست زد و عملیات های مختلفی چون اختطاف، ترور، کمین و غیره اعمالی را که از دست وی آمد انجام داد. وی در حریان یکسال، یعنی از اول سنبله ۸۶ الی اول

سنبله ۸۷ توانست خود را به عنوان یک اجنت خوب نزد امریکایی های مقیم میدان به اثبات برساند. جمعندی از گزارشات حمله هوایی نیروهای امریکایی بالای خانه رضا خان واضحاً نشان می دهد که درین واقعه پای نادر خان در میان بوده و امریکایی ها بخاطر روابط حسنه ای که با نادر خان داشته اند و بنا به پذیرش راپور های وی دست به این حمله زده اند.

به هر حال با مطالعه وضعیت تیمورخان و نادرخان قومندانان محلی میدان هوایی شیندند در یک سال گذشته، واضحاً میتوان گفت که پالیسی نیروهای اشغالگر امریکایی عموماً مورد استفاده قرار دادن افراد و اشخاص مختلف در جهت تامین اهداف شان می باشد و همینکه این اهداف بر آورده شدند در پی تبدیل کردن نوکر می بر آیند و خادمین سابقه را دور می اندازند.

بمباران اخیر شیندند در جریان اجرای همین پالیسی و بطور مشخص در جریان استفاده از اشخاص مختلف و نفوذ قومی آنها و نزاع های فی مابین آنها و در عین حال تبدیلی اشخاص مورد استفاده، به وقوع پیوست.

روز پنجشنبه ۳۱ اسد ۱۳۸۷ ساعت یک بعد از ظهر محمد رضا جانشین "تیمورخان" مقتول، تیاری برای یک ختم قرآن بخاطر برگزاری مراسم سالگرد وفات برادرش را در قریه نوآباد - قریه آبائی و اجدادی اش - برای روز جمعه اول سنبله ۱۳۸۷ شروع می نماید. وی در کنار

**یاکت ختم قرآن که برای برگزاری مراسم توزیع شده بود**

بیاد شمع رویت همچنان پروانه میسوزیم  
نور رفتی و بجایت اندرین کاشانه میسوزیم  
گهی آیم کنار قبر تو با دیده گریان  
گهی از یاد خوبی های تو در خانه میسوزیم

**مجلس ختم قرآن عظیم الشان**  
جهت رضای خداوند تعالی (ج) و خوشنودی روح پرفروغ سرور کائنات  
حضرت محمد مصطفی (ص) و مناسبت شهادت مرحوم مقبر  
**شهید تیمور شاه**

مخلف ختم قرآن عظیم الشان برگزار میگردد. تشریف آوری و اشتراک شما  
دوستان و عزیزان باعث خوشنودی روح آن شهید و تسلی خاطر بازماندگان خواهد گردید.

**با عرض هرمت: محمد رضا و برادران**

**زمان:** (روز چهارم) مورخ ۱/ ۱/ ۸۷ از ساعت ۹ صبح تا ۹ عصر صرف طعام

**مکان:** ولسوالی شیندند، علاقه داری عزیزآباد، قریه نوآباد، منزل شهید تیمور شاه

**مکان:** کورس

جایگاه تبلیغاتی: ۰۷۰۰۰۰۰۰۰۰۰



شوند و ۱۳ نفر هم زخمی می گردند. بمباران هوایی و خلع سلاح نیروهای رضا خان و تیمورخان و کشیدن شان از میدان از یکطرف و نزاع شخصی و قومی حاد میان نادرخان و تیمورخان، تمامی شکوک و شبهات را متوجه روابط تنگاتنگ نادر خان با امریکایی ها میسازد.



بعد از بمباران محل خیرات ( نذر ) تمام منازل مسکونی منطقه تخلیه میگردد و اکثریت بازماندگان این حادثه دست به کوچ اجباری میزنند. تعدادی هم برای کشیدن قربانیان حادثه به محل باقی می مانند و به دلیل حجم بسیار زیاد خاک برداری ناچار می شوند از شرکتهای ساختمانی داخل میدان هوایی استدعای کمک و مساعدت نمایند! یکی از شرکتهای مقیم میدان یک عراده شاورول را همراه چند عراده دتمک به خدمت مردم قرار می دهد تا بتوانند پروسه کشیدن قربانیان حادثه را از زیر آوار ساده تر به انجام رسانند. طبق گفته های شاهدان عینی، جنازه ها یکی پی دیگری از زیر آوار بیرون کشیده شده و در یک ردیف منظم کنارهم چیده میشوند. یکی از شاهدان عینی که نخواست نامش فاش شود، می گوید که الی ساعت ۱۰ صبح روز جمعه اول سنبله، ۱۲۰ جنازه از زیر آوار کشیده میشود و این پروسه خاک برداری الی ساعاتی پس از شام روز جمعه نیز ادامه می یابد. طبق آمار دقیقی که بعد از کفن و دفن قربانیان حادثه، توسط یک منبع محلی گرفته شده مجموعاً به تعداد ۱۶۸ نفر کشته شده اند. ازین جمله ۲۸ پسر خورد سال، ۳۶ دختر خورد سال، ۲۱ زن خانه دار، ۲ عروس جوان، ۳۷ مرد جوان، ۳۸ پیرمرد، ۴ افسر نظامی و ۲ نفر فرماندهان محلی شامل این کشته شدگان میباشند. خود محمد رضا برادر تیمور نیز شامل در همین قربانیان بوده است. بدین ترتیب به خوبی روشن است که در منطقه اصلاً طالبی موجود نبوده است و تمامی قربانیان، افراد شرکت کننده در مراسم خیرات و یا افراد محلی ساکن در دور و بر محل این

منطقه است، این مردم در تضاد با طالبان قرار دارند و بالمقابل طالبان نیز این مردم را به دیده بد یعنی به صفت نوکران امریکایی ها می بینند. برعکس، مردمان عزیزآباد شیندند بومی خود منطقه بوده و از قوم علیزهی هستند که پشتونهای حاکم در منطقه محسوب میشوند. این گروه در ارتباط تنگاتنگ با عبدالمنان نیازی و امان الله خان مشهور به " امان الله گی " و پسرش تنگیالی در منطقه زیر کوه شیندند قراردادشته و دارند. به همین خاطر هم هست که دایماً در حال جنگ و بدبینی نسبت به محمد رضا و برادرش تیمور قراردادشته اند.

از طرفی بعد از بمباران هوایی نوآباد، نیروهای امریکایی همان روز یعنی روز جمعه اول سنبله ۸۷ اولین کاری را که انجام میدهند این است که تمامی عساکر محلی را خلع سلاح نموده و آنها را از میدان اخراج می نمایند. بلا



### بازماندگان قربانیان بیشتر عسکران امنیتی میدان هوایی شیندند بوده اند

فاصله کارگران و کارمندان محلی دفاتر را که با شرکتهای ساختمانی مصروف فعالیت اند نیز از میدان رخصت می کنند و امنیت میدان را مستقیماً به دست اجیران نیپالی خویش قرار میدهند. به تعقیب آن تمامی فعالیتهای ساختمانی شرکتها را در میدان متوقف نموده و به مدت ۴۸ ساعت حکومت نظامی اعلام مینمایند. بدین مفهوم که دخول و خروج تمامی افراد ممنوع اعلام میشود. این مدت زمان ۴۸ ساعته دوباره تمدید میشود. صبح روز شنبه و به تعقیب آن در روز یکشنبه تظاهرات خشونت باری در منطقه عزیزآباد شیندند اتفاق می افتد. امریکایی ها مدت حکومت نظامی را تمدید می کنند و تا روز سه شنبه کلیه امور ساختمانی شرکتها به تعطیلی مطلق کشانیده می شوند. در تظاهرات روز شنبه و یکشنبه، علیزهی های عزیزآباد همراه با نوززائی ها شرکت میکنند. پولیس و اردوی رژیم پوشالی در صدد سرکوب تظاهرات می برآیند و در نتیجه ۴ نفر کشته می

اینکه تمامی قوم و قبیله، دوستان و خویشاوندان خود را از شهر و روستاهای اطراف خبر میکند، کارمندان شرکت های ساختمانی میدان، شرکت امنیتی خصوصی " آرمر گروپ "، دفتر ECCI " ای سی سی آی " که یک کمپنی خصوصی امریکایی است و تمویل کننده اصلی شرکت ها و کمپنی ها در میدان است، به همراه تمامی عساکر محلی را نیز دعوت میکند که در مراسم تجلیل از سالگرد تیمورخان برادرش شرکت نمایند.

وی اقوام و اقارب خویش از مناطق فراه و نیمروز را دو روز قبل خبر کرده بود و آنها نیز به روز پنجشنبه همراه با خانواده های شان به منطقه آمده بودند.

شب جمعه آشپزها همراه خدمه خیرات ( نذر ) به آماده ساختن غذا برای فردا میپردازند. ساعات ۲ نصف شب طیارات جنگی امپریالیستهای امریکایی سر میرسند و در اولین حمله خویش منزل محمد رضا و برادرانش را مورد بمباران هوایی قرار میدهند. این بمباران تا ساعت ۷ صبح روز جمعه، یعنی برای پنج ساعت متوالی، ادامه داشته است. بمباران باعث ویرانی کامل ۱۲ در بند حویلی مسکونی مردمان بیگناه و بی دفاع منطقه شده و به ۶۴ منزل مسکونی دیگر نیز آسیب می رساند. به این ترتیب مجموع حویلی های ویران شده در این بمباران به ۷۶ در بند حویلی میرسد.



ادعای اشغالگران یعنی " حمله به پایگاه شورشیان طالب در منطقه " مبتنی بر کتمان است. اکثریت ساکنین قریه نوآباد را اقارب و اقوام محمد رضا و تیمورخان تشکیل می دهند. اینها از لحاظ قومی نورزی بوده و ناقلینی هستند که در اصل در ولایت فراه سکنا گزین بوده اند. ریش سفیدان محل می گویند که اینها از مدت سی و پنج سال به اینطرف در منطقه رخنه نموده و مسکن گزین شده اند و دولت های وقت هم برای شان اجازه سکونت در منطقه داده است. چون برادر تیمور که فعلاً جانشین تیمور و رئیس قومی نورزی های این

هرات، اجازه تظاهرات را برای شورای علما نداد و تمامی چهار راه های شهر و دروازه های ورودی شهر را نیروهای مجهز و مسلح پولیس و اردوی رژیم پوشالی مسدود نمودند.

جنبش انقلابی جوانان افغانستان در همان روز فاتحه فیصله به عمل آورد که در تظاهرات بخاطر سمت و سو دادن بهتر تظاهرات شرکت نماید و همچنین برای سخنرانی در تظاهرات آمادگی گرفته بود که متأسفانه تظاهرات به وقوع نپیوست.

تلفات افراد غیر نظامی در افغانستان از موضوعات جنجال برانگیزی است که گاه و بیگاه در کشور خبر ساز میشود.

دو روز بعد از بمباران هوایی قریه نوآباد عزیزآباد شیندند و به تعقیب کمیسیون ۱۵ نفره به ریاست نعمت الله شهرانی، شورای وزیران دولت دست نشانده نیز اعلامیه ای صادر کرد و بمباران هوایی نیروهای امریکایی را خود سرانه خواند و آنرا به شدت محکوم نمود. شورای وزیران رژیم، خواهان تجدید نظر در عملکرد و اختیارات نیروهای بین المللی " ضد تروریسم " در افغانستان شد. در اعلامیه شورای وزیران رژیم آمده است که صلاحیت های نیروهای بین المللی در افغانستان بر پایه " توافقات متقابل، قوانین بین المللی و قوانین افغانستان " باید تنظیم شود.

روز چهارشنبه ۶ سنبله، سخنگوی کرسی به تعقیب موضعگیری شورای وزیران اعلام نمود که: " بیرون شدن نیروهای خارجی در برنامه دولت نیست، لذا دولت میخواهد که نیروهای خارجی در افغانستان قانونمند شوند. حضور نیروهای خارجی به موافقه دولت افغانستان است و درین هیچ جای شک نیست. ما نمیخواهیم که آنها از کشور بیرون شوند، بلکه میخواهیم که حضور نیروها قانونمند شوند. " هر زمانیکه نیروهای اشغالگر مرتکب جنایتی شده اند، از طرف رژیم پوشالی فوراً کمیسیونی تشکیل گردیده و برای اغفال مردم جنایت را محکوم نموده است. بر علاوه شورای وزیران و پارلمان رژیم نیز عکس العمل نشان میدهند. این اعمال و حرکت های رژیم پوشالی بخاطر فروکش نمودن خشم توده ها رویدست گرفته می شود و همه به اشاره اشغالگران صورت میگیرد.

نیروهای اشغالگر در افغانستان هر قدر مرتکب جنایت شوند، رژیم پوشالی اعلام میدارد که: " بیرون شدن نیروهای خارجی در برنامه دولت نیست و دولت میخواهد حضور این نیروها در افغانستان قانونی شود. " این بدان معنی است که

تلویزیون آریانا روز یکشنبه ۳ سنبله ۱۳۸۷ در گزارش ساعت ۸ شام خود خبر از برطرفی دو نفر از قومندانان ارشد دولتی را بنا به حکم کرسی داد. در اعلامیه ای که از سوی دفتر " ریاست جمهوری افغانستان " منتشر شده آمده است که جلندر شاه فرمانده قول اردوی ۲۰۷ ظفر و عبدالجبار قومندان کتدک کماندو به دلیل غفلت در وظیفه و کتمان حقایق در حادثه شیندند از وظایف شان برکنار شده اند.

این برطرفی در حالی صورت گرفت که وزارت دفاع افغانستان قبلاً گفته بود که اردوی رژیم پوشالی در اجرای این بمباران هیچ نقشی نداشته و عملیات هوایی نیروهای ائتلاف در این منطقه بدون هیچگونه هماهنگی با آن صورت گرفته است.

تلویزیون دولتی هرات در اخبار ساعت ۸ شب یکشنبه ۳ سنبله، اعلامیه وزارت دفاع رژیم را بخوانش گرفت که در آن چنین نوشته شده بود: " شهادت بیش از ۸۶ نفر این وزارت را متأسر ساخته است. برای مجروحین شفای عاجل و برای شهدا بهشت برین را خواهانیم. "

جنرال ظاهر عظیمی سخنگوی وزارت دفاع رژیم، به بی بی سی گفت: " عملیات زمینی در روستای عزیزآباد هماهنگ شده بود و به رهبری وزارت دفاع صورت گرفت. اما در چارچوب این برنامه، استفاده از نیروی هوایی گنجانده نشده بود. " وی افزود: " زمانیکه ساحه را مطالعه کنید، متوجه میشوید که ضرورت استفاده از عملیات هوایی در آنجا موجود نبوده است. " ( بی بی سی یکشنبه ۲۴ اگست ۲۰۰۸ - ۳ سنبله ۱۳۸۷ )

یوم دوشنبه مورخ ۴ سنبله ۱۳۸۷ مردمان شیندند در مسجد جامع بزرگ شهر هرات مراسم فاتحه خوانی را براه انداختند و از تمامی مردم دعوت به عمل آوردند که بخاطر تسلیت گویی به بازماندگان کشتار جمعی شیندند در این مراسم شرکت نمایند. جنبش انقلابی جوانان افغانستان علاوه بر شرکت در مراسم، به پخش گسترده اعلامیه تقبیح بمباران هوایی ددمنشانه نیروهای امریالیستی پرداخت که با استقبال گرم مردم روبرو گردید. در همین روز شورای علمای هرات قطعنامه ای را مبنی بر تظاهرات گسترده مردمی به روز سه شنبه روی دست گرفت و با پخش اعلامیه ای از تمامی مردم تقاضا نمود که در تجمع اعتراضی علیه بمباران هوایی نوآباد - عزیزآباد شیندند به جمع شان بپیوندند. اما روز سه شنبه ۵ سنبله ۸۷ ریاست امنیت ملی

مراسم بوده اند. چون بمباران در اثنای شب صورت میگیرد، بیشتر قربانیان در حین خواب غافلگیر شده و از بین رفته اند. خانه محمد رضا و برادرانش مجموعاً چهارحویلی را در برمیکرد، در حالیکه تعداد منازل مسکونی مخروبه، بعد از حمله هوایی، ۷۶ در بند ثبت میگردد!!

مردم خشمگین ازین بمباران هوایی جنایتکارانه نیروهای امریالیستی، روز شنبه ۲ سنبله ۱۳۸۷ دست به تظاهرات خشونت باری در منطقه عزیزآباد شیندند می زنند که مردم علیزائی عزیزآباد نیز آنها را همراهی می نمایند. در این تظاهرات مردم پلاکارتهایی در دست داشتند که روی آنها به دستخط خود به رنگ سرخ نوشته بودند: " مرگ بر امریکا! " تظاهر کنندگان به جاده ریخته و شاهراه هرات - قندهار را برای نصف روز مسدود نمودند، دو موتر پولیس رژیم را به آتش کشیدند، بالای افراد پولیس و اردوی رژیم با سنگ، چوب، داس، بیل و کلند حمله ور شدند و با سر دادن شعار مرگ بر امریکا، از تمامی مردم تقاضا کردند که به تظاهرات شان بپیوندند. تظاهر کنندگان اعلام کردند که مردمان افغانستان دیگر فریب نیرنگهای نیروهای اشغالگر امریکایی را نخواهند خورد. این تظاهرات الی ساعت یک بعد از ظهر همان روز دوام نمود.



بعد از تظاهرات گل احمد برادر تیمور همراه با چند تن از موی سفیدان محل به دفتر کار والی هرات آمد تا از نزدیک با والی هرات گفتگو نماید. از طرف دیگر در عصر همان روز کمیسیون پانزده نفره به ریاست نعمت الله شهرانی وزیر حج و اوقاف دولت دست نشانده به میدان هوایی شیندند آمد تا از نزدیک با مردم غم شریکی نموده و دلپایشان را تسکین دهد، تا باشد که در مقابل خوش خدمتی به دولت دست نشانده و اربابان امریالیستی اش چند صبائی برمسند قدرت و چوکی باقی مانده و به وطن فروشی شان ادامه دهند.

نعمت الله شهرانی در مصاحبه اش با رسانه های خبری چنین گفت: " دولت قضیه را تعقیب می نماید و عاملین آنرا شناسائی کرده و به پنجه قانون میسپارد. "



یکسال و چهار ماه از آن وعده میگذرد، ولی تا کنون هیچ اثری از اجرای آن به مشاهده نرسیده است. دلیل این امر روشن است. هیچ نوکری نمیتواند جلوی بادرش را بگیرد.

جالبترین حائنه ای که در داخل مسجد جامع گارنیزون میدان هوایی به چشم خورد، مسئله سرقت در هنگام حضور کرسی بود. شخصی که نخواست نامش فاش شود با عجله خود را به داخل مسجد جامع گارنیزون میدان هوایی شیندند رساند و با نفسی سوخته و با صدای بلند فریاد زد: " کرسی صاحب خانه ام آتش گرفت! " کرسی بعد از اینکه به عساکر امنیتی دروازه ورودی اشاره کرد، مرد را اجازه دادند که به داخل مسجد وارد شود و خود را به کرسی برساند، کرسی نیز جهت ادای احترام به مقابلش بلند شد و او را محکم به بغل کشید!! مرد با چشمان اشک آلود و با صدای بلند گفت: " کرسی صاحب از صبح وقت تا حال به راه بودم تا حالا به اینجا رسیدم. هنگام ورود به میدان هوایی به قسمت دروازه جنوبی میدان که به طرف بازار قتادی میرسد عساکر امنیتی دروازه و گارد ویژه ریاست جمهوری بعد از تلاشی مبلغ ۱۱۰۰۰ افغانی مرا از جیب برداشتند و به من گفتند که تو به دیدن کرسی میروی، پیسه میخواهی چکار؟ حالا من چه کنم؟ دارو ندارم همان پول بود؟؟!! "

کرسی بعد از یک مکث به سوی والی هرات نگاه کرد و به سید حسین انوری والی هرات اشاره کرد که والی صاحب پیسه این مرد را بده. والی هرات از جیبش مبلغ یازده هزار افغانی بیرون کشید و به مرد تازه وارد داد! مرد باز صدایش را بلند کرد: " والی صاحب یازده هزار را چکارکنم؟ ازین طرف که باز بروم همان عساکر این مبلغ را خواهند گرفت!! " ولی والی هرات و کرسی در مقابل مرد سکوت کردند و لام تا کام نگشادند و او را به نقطه دوری از مسجد راهنمایی کرده و از نزد خود مرخص نمودند. این است ماهیت دولت دست نشانده ای که در زیر ریش " رئیس جمهور "، در داخل گارنیزون میدان هوایی شیندند چنین فسادی صورت میگیرد، ولی نه تنها " رئیس جمهور " بلکه اعضای بلند پایه کابینه و والی هرات و یا قومندان امنیه نیز هیچ عکس العملی از خود تبارز نمی دهند و هیچگاه اقدام به دستگیری عاملین قضیه نمی نمایند. کرسی بعد از اختتام سفرش به سمت کابل حرکت میکند و مامورین بلند پایه دولتی را وظیفه میدهد که طبق لستی که گل احمد فرزند لعل محمد برادر محمد رضا و قومندان تیمور مقتول داده بود عاملین قضیه را

آمرگروپ جزء کشته شدگان بوده اند و بقیه همه افراد ملکی بوده اند.

روز پنجشنبه ۱۴ سنبله ۱۳۸۷، حامد کرسی این شاه شجاع سوم با یکتعداد از اراکین بلند پایه دولتی و اعضای کابینه اش بخاطری که بتواند از خیزش های بعدی مردمی جلوگیری نماید، وارد میدان هوایی شیندند شد و به شکل نمایشی بخاطر اغوای مردم با مردمان شیندند ابراز همدردی نمود. وی در



مسجد جامع گارنیزون میدان هوایی شیندند سخنرانی نمود و در بیانانش گفت: " من در باره علت این حادثه تحقیق می کنم و به آنان (مسئولان این حادثه) جزا داده خواهد شد. " وی در ادامه بیانانش یادآوری نمود که برای بازماندگان حمله هوایی نوآباد - عزیزآباد شیندند، شهرکی را بنام " شهرک شهیدان عزیزآباد" احداث خواهد کرد و برای آنان زمین زراعتی نیز خواهد داد و تمام شان را به حج خواهد فرستاد. وی همچنان از زبان جورج بوش رئیس جمهوری امریکا نیز یادآوری کرد که: " رئیس صاحب جمهوری امریکا نیز در تماس تلفنی که دیروز با من داشتند از حادثه دلخراش عزیزآباد شیندند ابراز تاسف کرده و امروز من در اینجا به شما پیام رئیس جمهوری امریکا را آورده ام که ایشان نیز با شما ابراز همدردی کرده اند. "

!!  
بله! اگر هزاران نفر هموطن ما کشته شوند، آقای بوش و غلامش کرسی از مردم صرف معذرت میخواهند و بالا ترین کارشان این است که مبلغ معینی " مرده پولی " به اقارب قربانیان پردازند، اما اگر یک امریکایی کشته شود، کل منطقه را به خاک و خون میکشند. اینست همدردی بوش و رژیم پوشالی با مردم غمدیده افغانستان!

از زمان وقوع حادثه ۱۲ ثور ۱۳۸۶ تا حادثه اول سنبله ۱۳۸۷، این دومین باراست که حامد کرسی بخاطر ابراز همدردی به ولسوالی شیندند می آید. وی در سفرسال گذشته خود به ولسوالی شیندند نیز به مردم وعده داد که جلو بمبارانهای خود سرانه قوای خارجی را خواهد گرفت! اینک مدت

رژیم پوشالی علاوه بر اینکه نمیخواهد نیروهای اشغالگر از افغانستان بیرون شوند، میخواهد که از طریق پارلمان قلابی اش برای چند سال دیگر حضورشان را در افغانستان تمدید نموده و دست شانرا به کشتن مردمان بیگناه بازنگه دارد. هدف از " قانونمند " شدن نیروهای خارجی این نیست که آنها در چوکات قانون اساسی کذائی رژیم حرکت کنند، بلکه منظور این است که سالیهای دیگر در افغانستان ماندگار شوند.

تا زمانیکه نیروهای اشغالگر بزور مردم از افغانستان بیرون کشیده نشوند، آنها هیچگاه حاضر به بیرون شدن از این کشور نیستند. چنانچه هم اکنون امپریالیست ها تصمیم دارند نیروهای خود را در داخل خاک افغانستان افزایش دهند. بیرون شدن نیروهای اشغالگر از افغانستان امکان ندارد مگر اینکه خیزش های ملی مردمی و انقلابی صحنه را برای شان تنگ نموده و آنها را وادار به خروج از افغانستان نمایند.

روز جمعه ۸ سنبله ۱۳۸۷، نهادهای مدنی و فرهنگی افغانستان در کابل خواستار توقف تلفات غیر نظامیان و پایان دادن به عملیات خود سرانه نیروهای امریکایی شدند. شرکت کنندگان درین گردهمایی به رسانه ها گفتند که اگر از ادامه کشتار غیر نظامیان از سوی نیروهای خارجی در افغانستان جلوگیری نشود، تظاهرات سراسری را در این کشور راه اندازی خواهند کرد. اشتراک کنندگان در این مراسم همچنین خواستند که نیروهای خارجی بر اساس قوانین بین المللی، به خانواده های قربانیان این حملات غرامت بپردازند. این موضعگیری نیز مبتنی بر ضرورت خروج قوای اشغالگر از افغانستان نبود و فقط خواستار این بود که بمباران ها و کل حضور قوای اشغالگر در هماهنگ با قوای رژیم پوشالی قرار بگیرد.

بی بی سی در گزارش خبری خود در روز چهارشنبه ۱۳ سنبله ۸۷، از زبان محمد اقبال صافی یک تن از اعضای پارلمان افغانستان یاد آور شده که همه قربانیان عملیات، غیر نظامیان بوده اند. محمد اقبال صافی علاوه بر اینکه یکی از اعضای پارلمان رژیم پوشالی است، عضو " هیات حقیقت یاب " در مورد حادثه نوآباد - عزیزآباد نیز هست. وی به خبرنگار آسوشیتد پرس گفت: " همه مردانی که در این عملیات کشته شدند، کارمندان یک شرکت خصوصی امنیتی در پایگاه نیروهای ائتلاف بودند. پس چگونه ممکن است این افراد طالبان باشند. " ولی حقیقت چنین نیست. ۴ نفر نظامی و ۲ نفر فرمانده محلی کارمندان شرکت خصوصی

دستگیر نمایند. این لیست مانند هر لیست دیگر در جعبه میز باقی می ماند.

روز جمعه ۱۵ سنبله ۱۳۸۷، اولین اقدامی که نیروهای امریکایی کردند این بود که با " نادر" ( کسی که به امریکایی ها راپور میدهد و راپور وی علت بمباران هوایی شیندند میشود) همکاری کرده و او را همراه تمامی اهل و اعیالش توسط هلیکوپتر به کابل انتقال می دهند. روز بعد " نادر" همراه کلیه اعضای فامیلش به هند میرسند. البته یک احتمال قوی دیگر نیز وجود دارد و آن اینکه عاملین بمباران شیندند ( نادر و جبار ) که هر دو از ساکنین قریه کالسک ولسوالی شیندند هستند، نزد ارگان های دولتی محفوظ باشند، ولی ظاهراً شایعه رفتن نادر به هند پخش گردیده باشد. به هر حال طبق هماهنگی ایکه میان نیروهای امریکایی و " نادر" و " جبار" عاملین قضیه صورت گرفته، پسر کلان نادر در خانه اش مانده و خود و متباقی اعضای فامیلش به همدستی نیروهای ویژه از محل فرار کرده اند! گفته می شود که نادر از نیروهای امریکایی پرسیده بوده که پسر کلانم را چه کنم؟ آنها به او گفته اند که پسر کلان را هیچ کاری نخواهد شد، چون طبق قانون اساسی افغانستان، جرم یک عمل شخصی است و پسرت بخاطر جرم تو محاکمه نه میشود و چنانچه دستگیر هم شود آزاد خواهد شد. به این ترتیب پسر کلان نادر به خانه می ماند تا ردیابی نادر باز هم پیچیده تر شود.

صبح روز یکشنبه ۱۷ سنبله ۱۳۸۷، از سپیده دم صبح تا خفتن، محله نادر خیل در قریه کالسک در محاصره نیروهای پولیس و اردوی رژیم درمی آید. طوریکه گفته شده پسر کلان نادر توسط افراد اردوی پوشالی گرفتار میشود و خانه تلاشی الی بعد از ظهر روز دوشنبه ۱۸ سنبله، در محله نادر خیل ادامه داشته است. مردم آزاری، بهانه گیری و پرس و جو در مورد فرار نادر و موقعیت نادر از مردمی که اصلاً از این مسائل بی اطلاع بودند و خلاصه بهانه تراشی های ممتد ادامه یافت، ولی هیچ اثری از موجودیت نادر به دست نیامد!

طبق گزارشات مکرر رسانه های خبری افغانستان یک هفته بعد از بمباران هوایی شیندند دولت دست نشانده کمکهایی را تحت نام " کمک انسان دوستانه به بازماندگان حادثه شیندند" به محل میرساند. اما این کمکها از چه قرار است؟

طبق اخبار رسیده، رژیم دست نشانده از بابت " مرده پولی" یعنی خرید جنازه های

مقتولین حادثه، مبلغ سیصد هزار افغانی برای بازماندگان هر فرد کشته شده تادیه میکند. اما تمام پول را گل احمد برادر محمد رضا و قومندان تیمور به جیب میزند!

رژیم پوشالی در گزارشات خبری خود گفته است که حدود ۹۱ تن از افراد ملکی در این بمباران جان خود را از دست داده اند، اما هنگام تادیه پول نقد به گل احمد برای ۱۴۰ جنازه پول داده اند!! همچنان دو تریلی گندم نیز به محل حادثه از طرف سازمان های " خیریه" رسیده بود که از جمله یک تریلی به مردمان بی بضاعت توزیع گردید، ولی تریلی دوم را برادر قومندان تیمور شخصاً تصرف می شود.

در مورد جاسوسی نادر برای نیروهای امریکایی باید گفته شود که بر اساس اسناد و شواهدی که فوقاً یاد آوردیم این کار توسط نادر انجام گرفته است! ولی نظریه مسئولیت دستگاه های امنیتی و استخباراتی دولت دست نشانده، اطلاعات هر جاسوسی ولو صد در صد صحیح هم باشد، در نهایت بیشتر از ۳۰ فیصد تاثیر نخواهد داشت. ۷۰ در صد دیگرش را تحقیقات انجام شده توسط ارگانهای دولتی در بر میگیرد. تعیین محل دقیق برای بمباران باید توسط یک فرد مسلکی نظامی که با کوردینات های نظامی آشنایی کامل داشته باشد صورت بگیرد نه توسط یک فرد عادی. هنگام بمباران، طیاره فقط طبق کوردیناتی که برایش داده میشود انداخت میکند نه بدون کوردینات. و قتیکه طیاره به موقعیت تعیین شده میرسد، از روی کوردینات ثبت شده، علامت سرخ روی صفحه راهنمای طیاره شروع به چشمک زدن میکند. اولین چشمک زدن ها در واقع به پیلوت هدایت میدهد که به محل تعیین شده رسیده است و باید دست بکار شود و بمباران را شروع نماید. به این ترتیب باید ارتباط تنگاتنگ و هماهنگی میان نیروهای هوایی امریکایی و قومندان قول اردوی ظفر هرات (جلندر شاه) و همچنان قومندان کماندو و والی هرات پیشاپیش بر قرار شده باشد، در غیر آن ممکن نیست چنین حادثه ای رخ دهد.

عاملین این جنایت هولناک مانند آفتاب روشن هستند. عاملین این جنایت عبارت اند از: نیروهای اشغالگر، قومندان قول اردوی هرات، قومندان کندک کماندوی هرات، والی هرات، آمر امنیت ملی هرات، قومندان امنیه هرات و نادر. رژیم پوشالی با بیان اینکه " قضیه تحت تعقیب است و ما بعد از شناسایی

عاملین قضیه، آنها را به محاکمه میکشانیم." فقط یک هدف را دنبال میکنند و آن اینکه روی خشم مردم آب ریخته و آتار سرد سازد، زیرا واضح و مبرهن است که رژیم پوشالی نه این قدرت را دارد و نه هم این جرات را که حتی نادر را، که یک فرد محلی و در ارتباط تنگاتنگ با امریکایی هاست، به محاکمه بکشاند، چه رسد به باداران امریکایی اش یا اراکین بلند پایه دولتی همچون والی هرات! برای محاکمه عاملین این جنایت، باید خود مردم منسجم شده و دست اندر کار مبارزه و مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه امپریالیست های اشغالگر و رژیم دست نشانده شوند و بر پای خیزش های عمومی بر علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده شان را روی دست گیرند. امپریالیست های اشغالگر در هر جا تیکه رخنه کنند، تمامی حرکات های جنایتکارانه خویش و نوکران شان را روپوش قانونی میدهند و برای تسلیت بازماندگان شان، وعده و وعیده هایی می دهند. از آنجمله وعده های کرزی این شاه شجاع سوم بعد از بمباران هوایی ۱۲ ثور پارسال به مردم بود که کماکان نه تنها در شیندند بلکه در دیگر مناطق کشور نیز اجرا نا شده باقی مانده و قتل عام اهالی ملکی در نقاط مختلف کشور توسط قوت های اشغالگر کماکان ادامه دارد.

پس باید نیروهای انقلابی و آگاه کشور با تعهد خارا این به منافع علیای کشور و مردمان کشور دست در دست هم داده و اتحاد صفوف مبارزاتی شان را هر چه بیشتر تحکیم و گسترش دهند، از تسلیم طلبی و فرار طلبی از زیر بیرق انقلاب خود داری نمایند و کوشش به عمل آورند تا هر چه زود تر درفش مقاومت ملی مردمی و انقلابی را در صحنه کارزار افغانستان آشکارا بر افرازند و ضربات مهلکی بر پیکر جنایتکار و جنایتبار اشغالگران و نوکران شان وارد سازند.





## گزارشات تازه از شیندند

هلیکوپتر نظامی در قسمت کمپ نیروی ویژه میدان هوایی شیندند فرود آمده و بعد از یک هماهنگی کامل میان نادر و نیروهای امریکایی، وی همراه با زن و فرزندانش، سوار بر هلیکوپتر شده و به کابل انتقال داده شده اند. البته طبق برنامه از قبل طرح شده، صرف پسر کلان نادر در منطقه باقی میماند. گفته می شود که امریکایی ها برای نادر گفته اند که اگر پسر کلان دستگیر هم شود، باز هم آسیبی برایش نمی رسد، چرا که مطابق قانون جرم یک امر شخصی است. گزارشات حاکی است که بعد از ظهر روز شنبه ۱۶ سنبله نادر همراه با اعضای فامیلش به هند رسیده است.

یکشنبه ۱۷ سنبله منزل نادر توسط افراد اردو و پولیس رژیم پوشالی محاصره میشود. خانه تلاشی توسط افراد اردو رژیم از صبح روز در منطقه نادر خیل شروع میشود و تا شب ادامه می یابد. گفته شده که پسر کلان نادر توسط افراد اردو رژیم دستگیر گردیده است.

کرزی میروی پول میخواهی چکار؟ وی به هر نحوی که هست خود را به داخل مسجد میرساند و با صدای بلند میگوید که: "کرزی صاحب تو اینجا سخنرانی میکنی خانه من آتش گرفت!" بعد از اینکه کرزی به پولیس اشاره میکند او را اجازه میدهند که داخل شود و به نزدیک کرزی بیاید. وقتی کرزی از او پرسان میکند که چکار شده؟ میگوید "عساکر امنیتی به قسمت دروازه ورودی میدان، ۱۱۰۰۰ افغانی مرا برداشتند!" کرزی به طرف والی نگاه میکند و میگوید خیر! والی صاحب ۱۱۰۰۰ افغانی به این شخص بدهید. والی هنگامیکه ۱۱۰۰۰ افغانی را برایش میدهد، این شخص باز میگوید: "کرزی صاحب من این پول را چه کنم؟ ازین طرف هم که بروم همان پولیس ها پولهایم را باز خواهند گرفت!" کرزی بدون اعتناء مرد را رخصت میکند. این است هویت دولت دست نشانده به عوض اینکه فی الفور امر دستگیری عساکری که دست به چپاول زده اند را صادر کند ۱۱۰۰۰ افغانی پول چپاول شده را پس میدهد!

گفته شده که روز جمعه ۱۵ سنبله ۸۷،

بعد از بمباران هوایی منطقه نوآباد - عزیز آباد شیندند، دولت دست نشانده جهت تسلیت مردم برای بازماندگان هر فرد کشته شده ۳ لک افغانی کمک نقدی می فرستد و در عین حال چند موتر گندم نیز به منطقه ارسال می کند. اما شخصی بنام گل احمد فرزند لال محمد برادر حقیقی محمد رضا (کسیکه ختم قرآن را بخاطر سالگره وفات تیمور به راه انداخته بود) تمام پول را گرفته و به جیب شخصی اش زده و به مردم منطقه نرسانده است. همین شخص روز چهارشنبه ۱۳ سنبله از یک اختطاف جان سالم بدر برده بود.

روز پنجشنبه ۱۴، سنبله کرزی به میدان هوایی شیندند می رود تا جهت "تسلیت" گویی به مردم منطقه در مسجد جامع گارنیزین میدان مراسم را برپا کند. یکی از اهالی منطقه که از محل نسبتا دوری به دیدن کرزی آمده بوده، در قسمت دروازه ورودی میدان هوایی شیندند توسط پولیس ویژه گارد ریاست جمهوری مورد تلاشی قرار می گیرد و مبلغ ۱۱۰۰۰ افغانی را از جیبش بر میدارند. به او میگویند تو که به دیدن

### در تقبیح

بمباران هوایی جنایتکارانه زیر کوه شیندند

### همه قدرت و توان مبارزاتی خویش را در مسیر برپائی و پیشبرد

**مقاومت ملی مردمی و انقلابی برای طرد اشغالگران و سرنگونی رژیم پوشالی متمرکز نماییم!**

سرطان ۱۳۸۷ پخش شد، مصاحبه ای داشته است. این گزارش بیانگر آن بود که دولت با چه بی شرمی و وقاحتی از منافع شوم امپریالیستها دفاع میکند و چه بی شرمانه ادعا دارد که حمله هوایی در کار نبوده است!! چند نفر زن و مرد که هرسال که با تلویزیون مصاحبه داشتند میگفتند که:

"شب همه ما خواب بودیم که ناگهان صدای طیاره های جنگی به گوش ما رسید. تا خود را از

اشغالگر حدود هشتاد خانه ویران گردیده و حدود ۳۵ نفر از هموطنان ما کشته شده اند. تعداد زخمیان این حادثه تا هنوز بصورت دقیق معلوم نیست، ولی در حدود ۱۰۰ نفر تخمین می شود. اگر چه رژیم دست نشانده ادعا دارد که به هیچ عنوان بمباران هوایی صورت نگرفته، ولی تلویزیون وابسته به رژیم گزارشی را از شفاخانه حوزوی هرات ثبت نموده و با چند نفر از معلولین این حادثه که به تاریخ پنجشنبه ۲۷

واقع دله خراش و جگر سوز بمباران هوایی زیر کوه شیندند، بار دیگر دل هزاران انسان ستم دیده را داغدار نمود. نیروهای اشغالگر ائتلاف بین المللی به رهبری امپریالیزم لجام گسیخته امریکا بار دیگر مردمان بیگناه زیر کوه شیندند را زیر بمباران جنایتکارانه خویش قرار دادند و آنها را به ترک خانه هایشان از منطقه بخت آباد زیر کوه شیندند وادار کردند. در اثر این بمباران جنایتکارانه امپریالیستهای

خانه بیرون انداختیم مورد بمباران قرار گرفتیم و دیگر چیزی نفهمیدیم. بعد از اینکه چشمان خود را باز کردیم دیدیم که در شفاخانه هرات هستیم.

در میان زخمی ها تعدادی از اطفال ۱۰ تا ۱۵ ساله نیز به چشم میخورند. آنها نیز حمله هوایی قوای متجاوز و اشغالگر را تأیید می نمایند.

کسانی که از منطقه زیرکوه شیندند توانسته بودند جان سالم بدر برده و از منطقه کوچ نمایند، نیز حمله هوایی امپریالیستها را تأیید می کنند. خانه ها و منازل مسکونی مخروب شده و اجساد حیوانات اهلی که در اطراف خانه ها به هر طرف پرتاب شده بود نشانه های زنده حمله هوایی جنایتکارانه نیروهای ائتلاف بین المللی میباشد. صدای طیاره های جنگی و بمباران هوایی که مناطق دیگر شیندند را نیمه شب از خواب بیدار کرده است، نیز به نوبه خود نشاندهنده حمله جنایتکارانه نیروهای اشغالگر به رهبری امپریالیزم لجام گسیخته امریکا است.

طبق گفته های شاهدان عینی، به تعقیب بمباران هوایی نیروهای ائتلاف بین المللی چند مرحله پرساژ صوتی توسط جت های جنگنده اشغالگران بر فضای منطقه ای بنام " فرمکان " یکی از قریه های منطقه بخت آباد زیرکوه شیندند صورت گرفت که باعث شد تعداد تلفات در این منطقه بالا رود. از نظر نظامی پرساژ صوتی که توسط جت های جنگنده اجراء میشود میتواند امواج ضربه ای را تولید کند که هرگونه دیوارهای گلی را فرو ریزد و باعث پاره شدن پرده گوش انسانها شود. اکثریت انسانهایی که از قدرت شنوایی بالایی برخوردار هستند، در جریان اجراء پرساژ صوتی جت های جنگنده پرده گوش خود را از دست می دهند و ممکن است خونریزی مغزی کنند و به هلاکت برسند. از لحاظ اقتصادی نیز پرساژ صوتی به نفع کسانی است که بمب جت های جنگنده را تامین میکنند. بدین اساس است که نیروهای اشغالگر امپریالیستی عموماً کوشش دارند در جریان اجراء بمباران هوایی مناطقی که مصارف هنگفت نظامی را در بردارد از پرساژهای صوتی طیارات جنگی خویش به شکلی از اشکال استفاده نمایند.

بمباران اخیر در حالی صورت گرفته است که هنوز خاطره های تلخ حملات دد منشانه دوازدهم ثور ۱۳۸۶ که بمباران چهار روزه زیرکوه شیندند را به همراه داشت و مناطق بخت آباد، کریم خانی و چند روستای دیگر زیر کوه را مورد هدف قرار داد و عزیزان ما را

بخاک و خون کشید، از فکر و ضمیر ما پاک نشده است. مردمان عزادار شیندند فقط توانستند بعد از ختم حملات خونبار مذکور، به همکاری تعداد زیادی از مردمان ولسوالی غوریان و منطقه زاول و آب کل ولسوالی شیندند جنازه های عزیزان شان را که بیگناه به خاک و خون کشیده شده بودند، دفن نمایند.

مرگ بر اهریمن استبداد!  
مرگ بر امپریالیزم لجام گسیخته امریکا!  
مرگ بر رژیم پوشالی حامد کرزی این خائن ملی، این وطن فروش سفاک و این شاه شجاع سوم و عروسک دست نشانده اشغالگران امپریالیست!

بگذار احساسات وطن پرستانه ملت عزیز خود را به گوش جهانیان برسانیم!

بگذار درد دل عزیزانی را که بیگناه به خاک و خون کشیده میشوند بیان نمایم!

بگذار فریادهای نیمه شبی مادران بی فرزندان که در عزای فرزندان دلبنده شان نشسته اند و صدای شیون عروسانی را که لباس سیاه بیوه گی را به تن نموده اند، به گوش جهانیان برسانیم!

بگذار تا از حق استقلال و آزادی این وطن به دفاع برخیزیم!

بگذار تا صدای کودکان پا برهنه، گرسنه و در به در را که در زیر آوارها جنازه های مادران و پدران خویش را جستجو میکنند، بلند نمایم.

بگذار به کسانی که بی شرمانه زیر چتر حمایت متجاوزین و اشغالگران سفاک و خون آشام پناه برده اند بگوئیم که به عنوان خائنین ملی و وطن فروشان بیمقدار ثبت تاریخ شده اند و توده های رزمنده این سرزمین روزی در داد گاه مردمی خویش آنها را به محاکمه خواهند کشاند!

### ملت شریف و آزاده!

دیگر صبر و تحمل بس است، دیگر توان نشستن نیست، بگذار تا یکصدا و هماهنگ بانگ و نعره برآریم که:

مرگ بر امپریالیست های اشغالگر و مرگ بر دولت دست نشانده کرزی!

سکوت سرشار از نا گفته هاست. بگذار تا سکوت ماتم زده خود را بار دیگر بشکنیم!  
هموطنان عزیز! مردمان داغدار زیرکوه شیندند و سائر مناطق!

جنازه هایتان را دفن کرده و با تمام نیرو و توان و با خشم و انزجار بیشتر علیه قوای اشغالگر امپریالیستی و رژیم پوشالی آماده شوید و تا خروج نهایی نیروهای اشغالگر و سرنگونی و محو کامل رژیم پوشالی به مقاومت تان ادامه دهید! بیاید از افغانستان ویتنام دیگری بسازیم

و آنرا به گورستان امپریالیست های امریکایی و سائر اشغالگران امپریالیست مبدل سازیم!  
جنبش انقلابی جوانان افغانستان جنایات هولناک اشغالگران امپریالیست و رژیم پوشالی در زیر کوه شیندند، هسکه مینه نگرهار، نورستان و سائر مناطق را محکوم نموده و از مقاومت مردمان مناطق مختلف کشور پشتیبانی مینماید. ما اعلام مینمائیم که تا بیرون راندن نیروهای اشغالگر و سرنگونی رژیم پوشالی، همپای تمامی مردمان رزمجوی این کشور حرکت نموده و از مقاومت ها و مبارزات بر حق آنها بر مبنای خط مقاومت ملی مردمی و انقلابی پشتیبانی کامل مینمائیم.

جنبش انقلابی جوانان افغانستان تمامی جوانان افغانستانی را به خروج شجاعانه و رزمجویانه از زیر درفش اردو و پولیس رژیم پوشالی، ترک بی تفاوتی ها و فرارطلبی ها از مبارزه و مقاومت علیه اشغالگران و دست نشاندهگان شان و شرکت در مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران و خائنین ملی فرا می خواند. ما از تمامی روشنفکران کشور درخواست می نمایم تا از فرار مغزها از کشور جلوگیری به عمل آورند، دست اتحاد و وحدت مبارزاتی خویش را به هم داده و از حرکت های سکتاریستی و فراقسیون بازی های سیاسی جلوگیری به عمل آورند و در جهت شگوفایی مبارزاتی هرچه بیشتر نیروی پیش آهنگ انقلاب در مسیر برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی و تقویت هرچه بیشتر این مقاومت از جان و دل با ایثار و فداکاری و همبستگی مبارزاتی به پیش حرکت کنند.  
فقط با تامین استقلال و آزادی کشور و مردمان کشور و پیشروی مداوم در مسیر انقلاب، فردای مان شگوفان و پر بار، بری از سلطه امپریالیستها و مرتجعین و سرشار از آزادی و بهر روزی خواهد بود.

مرگ بر اشغالگران امپریالیست!

مرگ بر رژیم پوشالی!

به پیش در راه برپایی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی!

زنده باد آزادی! زنده باد استقلال!

جنبش انقلابی جوانان افغانستان

۲۸ سرطان ۱۳۸۷



## بمباران هوایی

## قریه نوآباد - عزیز آباد ولسوالی شیندند ولایت هرات را تقبیح کنیم

و

## خشم و انزجار خود را در مسیر برپائی و پیشبرد مقاومت ملی، مردمی و انقلابی سرتاسری علیه اشغالگران امپریالیست و رژیم پوشالی سوق دهیم!

## مردم ستمدیده کشور!

برای چندمین بار است که نیروهای متجاوز و اشغالگرا امپریالیستی به رهبری امپریالیزم لجام گسیخته امریکا مناطقی از ولسوالی شیندند ولایت هرات را مورد بمباران های هوایی قتل عام کننده نیروهای خود قرار میدهند و تعداد زیادی از هموطنان غیر نظامی ما را به خاک و خون می کشند.

هنوز خاطره تلخ حملات ددمنشانه دوازدهم ثور ۱۳۸۶، که بمباران چهار روزه زیرکوه شیندند را به همراه داشت، از فکر و ضمیر ما پاک نشده است و هنوز خاطره های تلخ بمباران هوایی بالای اهالی ملکی در بیست و هفتم سرطان ۱۳۸۷ در زیر کوه شیندند که باعث قتل عام مردمان بیگناه ما گردید را فراموش نکرده ایم که بمباران هوایی تازه نیروهای اشغالگرا امپریالیستی روح و روان مردمان ستمدیده این منطقه و کلیه مردم زحمتکش افغانستان را داغدار نمود. بمباران هوایی روز جمعه مورخ اول سنبله ۱۳۸۷ بالای قریه نوآباد - عزیز آباد ولسوالی شیندند باعث گردیده که تعداد زیادی از هموطنان ما به خاک و خون کشیده شوند.

طبق گزارشات رسیده از محل حادثه، شخصی بنام محمد رضا برادر قومندان تیمور ختم قرآنی را جهت سالگرد وفات " قومندان تیمور"، یکی از قومندانان محلی میدان هوایی شیندند ولایت هرات برگزار میکند و تمامی شرکتهای ساختمانی مقیم میدان هوایی شیندند و همچنان اقوام و خویشاوندان خویش را از شهر هرات و همچنان قریه جات اطراف شیندند جهت اشتراک در مراسم برگزاری این سالگرد دعوت می نماید.

شب جمعه مورخ ۳۱ اسد ۸۷، موظفین پخت و پز وسایل آشپزی را آماده میکنند و صبح جمعه راس ساعت ۲ نصف شب که آنها دست به کار آشپزی و سر و سامان دادن دیگ خیرات میشوند قوای هوایی نیروهای امریکایی سر می رسند و مستقیماً

محل برگزاری خیرات را مورد بمباران هوایی خویش قرار میدهند. در اولین حمله، در قدم اول خانه محمد رضا و برادرانش را مورد بمباران هوایی قرار می دهند و بعد از آن خانه های اطراف را زیر آتش طیارات جنگی خویش قرار میدهند.

بمباران هوایی که از ساعت ۲ نصف شب شروع و الی ۷ صبح روز جمعه ادامه داشته، باعث شده تا بیش از هفتاد و شش حویلی تخریب گردد و تعداد زیادی از افراد ملکی جمع شده در محل از بین بروند. طبق اخبار واصله، تا ساعات ده صبح جمعه به تعداد ۱۲۰ جنازه از زیر آوار بیرون کشیده شده اند. گفته می شود که بیرون کشیدن جنازه ها از زیر آوار تا ساعات ۳ بعد از ظهر همان روز ادامه داشته است. چون حجم خاک برداری و بیرون کشیدن جنازه ها از زیر آوار بسیار مشکل بوده، مردم محل از شرکتهای ساختمانی مقیم میدان هوایی مساعدت میخوانند تا ماشین آلاتی را جهت خاک برداری به دسترس شان قرار دهند. یکی از شرکتهای ساختمانی مقیم میدان، شاوولی را به همراه چند عراده دمترک جهت کمک به قربانیان حادثه به منطقه اعزام میکند.

منطقه کاملاً توسط اردوی رژیم پوشالی و نیروهای امپریالیست اشغالگر تا روز شنبه در محاصره بسیار شدید قرار میگیرد و عبور و مرور توسط این نیروها ممنوع اعلام میشود. نیروهای ناتو و نیروهای ویژه امریکایی راه های ورودی میدان هوایی شیندند را برای مدت ۴۸ ساعت مسدود مینمایند. اگر چه روز شنبه مورخ ۲ سنبله ۸۷ هیتی بریاست وزیر حج و اوقاف دولت دست نشانده برای تحقیق در مورد این واقعه به محل اعزام میشود، ولی این حرکت نه دردی را دوا میکند، نه انسان بیگناهی را که به خاک و خون کشیده شده زنده میکند و نه هم میتواند درد های مردم منطقه را التیام بخشد.

مردمان محل که برای کشیدن اجساد قربانیان

حادثه به کمک همسایگان خود شتافته بودند، هنگام مصاحبه یاد آور شدند که از کشیدن بیش از حد جنازه ها از زیر آوار خسته و ضله شده اند، زیرا تعداد قربانیان بیش از حد بوده است!!

این بدین مفهوم است که جنایت آنقدر سبعانه و ددمنشانه بوده که منجر به کشته شدن و زخمی شدن تعداد زیادی از هموطنان ما گشته است. طبق آمار گرفته شده از محل حدود ۱۶۸ نفر کشته و در حدود ۲۴۰ نفر زخمی احصائیه گیری شده و بیشترین قربانیان را زنان و اطفال تشکیل میدهند. اما دولت فاسد و پوشالی همراه با قوای هوایی نیروهای امپریالیستی این حقیقت را کتمان می نمایند. در حالیکه قومندان قول اردوی ظفر تعداد کشته شدگان را ۷۶ نفر اعلام کرده، سخنگوی وزارت دفاع رژیم، کشته شدگان غیر نظامی را یکبار ۵ نفر اعلام کرده و بار دیگر وزارت دفاع رژیم تعداد کشته شدگان بی دفاع را ۹۶ نفر اعلام نموده است. زهی سفاقت و بی شرمی!

خشم و انزجار توده های ستمدیده باعث شده تا " شورای علمای ولایت هرات " و " شورای ولایتی هرات " دو قطعنامه را به دست نشر بسپارند. اینها از یک طرف از دولت میخواهند که باید جلو این حملات گرفته شود و از طرفی نگرانی خویش را از عواقب این واقعه اعلام می نمایند. این بدین مفهوم نیست که آنها هماهنگی خویش را با توده های ستمدیده اعلام کرده اند، بلکه آنها به شکلی از اشکال مردمان آزاده این وطن کماکان زیر قیومیت نیروهای اشغالگرا امپریالیستی دست و پا زنند! قطعنامه های شان بسیار ریاکارانه و اغواگرانه است و در جهت تامین منافع رژیم پوشالی و اربابان اشغالگرا امپریالیستی شان حرکت میکنند، نه در جهت تامین استقلال کشور و آزادی مردمان کشور!

جنبش انقلابی جوانان افغانستان یکبار دیگر

به صراحت لهجه فریاد بر می آورد که :

مرگ بر امپریالیزم لجام گسیخته امریکا!  
مرگ بر دولت دست نشانده و پوشالی حامد  
کرزی، این شاه شجاع سوم و این عروسک  
دست نشانده اشغالگران که خادم بارگاه  
امپریالیست های اشغالگر است!

بگذار برای بار دیگر احساسات وطن  
پرستانه مردم عزیز خود را به گوش جهانیان  
برسانیم!

بگذار برای بار دیگر دست اتحاد و همبستگی  
خود را روی هم گذارده، مشت های گره  
خورده خود را به آسمان بلند کنیم و ناله های  
عزیزانی را که بیگناه به خاک و خون کشیده  
میشوند را به صدا در آوریم!

بگذار تا بار دیگر انعکاس فریاد نیمه شبی  
مادران بی فرزندی که در عزای فرزندان دل‌بند  
شان نشسته اند باشیم!

بگذار تا صدای شیون عروسانی را که لباس  
سیاه بیوه گی به تن نموده اند، به گوش  
جهانیان برسانیم!

بگذار تا بار دیگر از حق استقلال و آزادی این  
وطن به دفاع خیزیم!

بگذار تا سکوت ماتم زده خود را این بار  
رساتر، بلند تر و گسترده تر بشکنیم!

بگذار تا صدای کودکان پا برهنه و گرسنه ای  
را که در زیر آوار جنازه های والدین خویش را  
جستجو میکنند، انعکاس دهیم!

بگذار به کسانی که بی شرمانه زیر چتر

حمایت متجاوزین و اشغالگران سفاک و خون  
آشام پناه برده اند بگوئیم که خائنین ملی و وطن  
فروشان سفاک و خون آشامی بیش نیستند و  
روزی خواهد رسید که توده های رزمنده این  
سرزمین آنها را در داد گاه های مردمی خویش  
به محاکمه بکشند!

مرگ بر اهریمن استبداد!  
مرگ بر امپریالیزم لجام گسیخته امریکا!

مرگ بر رژیم پوشالی حامد کرزی، این خائن  
ملی، این وطن فروش سفاک و این شاه شجاع  
سوم و عروسک دست نشانده اشغالگران  
امپریالیست!

هموطنان عزیز! مردمان داغدار قریه نوآباد -  
عزیز آباد و سائر مناطق!

جنازه هایتان را دفن کنید و با تمام نیرو و  
توان و با خشم و انزجار بیشتر علیه قوای  
اشغالگر امپریالیستی و رژیم پوشالی آماده شوید  
و تا خروج نهایی نیروهای اشغالگر و سرنگونی  
و محو کامل رژیم پوشالی به مقاومت تان ادامه  
دهید! بیاید از افغانستان ویتنام دیگری بسازیم  
و آنرا به گورستان امپریالیست های امریکایی و  
سائر اشغالگران امپریالیست مبدل سازیم!

جنبش انقلابی جوانان افغانستان جنایات  
هولناک اشغالگران امپریالیست و رژیم پوشالی  
را بار دیگر قاطعانه محکوم مینماید و از تمامی  
اقشار جامعه میطلبد تا برای برپایی و پیشبرد  
مقاومت ملی مردمی و انقلابی، همگام،  
همصدا و همنوا بپا خیزند.

ما از مقاومت های مردمان ستم دیده کشور  
که در مقابل اشغالگران امپریالیست و جانیان  
سفاک بومی یعنی رژیم دست نشانده حاکم  
قد علم نموده اند پشتیبانی کامل مینمائیم و  
رشادت ها، ایثار ها و فداکاری های آنها را  
می ستائیم. ما همانطوری که در پلاتفورم  
مبارزاتی خویش اعلام نموده ایم باز هم  
تاکید به عمل می آوریم که :

بیاید تا دست به دست هم داده و تمامی  
جویبار های نارضایتی و خشم توده های ستم  
دیده را به حرکت در آوریم، آنها را سمت  
و سوی واحدی دهیم و قوت عظیم مبارزاتی  
شان را برای برپایی و پیشبرد مقاومت ملی  
مردمی و انقلابی خلهای زحمتکش کشور به  
حرکت در آوریم و همچو سیلاب سهمگینی  
بر برج و باروی نیروهای اشغالگر امپریالیستی  
و دست نشانگان شان یورش بریم و ویران  
شان سازیم!

مرگ بر اشغالگران امپریالیست!

مرگ بر رژیم پوشالی!

به پیش در راه برپایی و پیشبرد مقاومت ملی  
مردمی و انقلابی!

زنده باد آزادی! زنده باد استقلال!

جنبش انقلابی جوانان افغانستان

۳ سنبله ۱۳۸۷

## رهبران جهادی خاین در همکاری با

# CIA

## ( سازمان جاسوسی ایالات متحده امریکا )

دست نشر سپرده شده است.  
به گفته "گری شرون" وی در زمان ماموریتش  
در CIA تقریباً با تمامی مهره های خورد و  
بزرگ سه دهه اخیر تاریخ افغانستان دیدار نموده  
و از احمد شاه مسعود و مسعود خلیلی بمثابه "  
دوستان نزدیک خود" یاد آور شده است.  
وی در سال ۲۰۰۶ عیسوی کتابی را تحت  
نام "First In" یا "برای نخست در داخل"  
در نیویورک به دست نشر سپرد که پر خواننده  
ترین کتاب سال در امریکا گردید. این کتاب  
مجموعه ای از یادداشتها، تحلیلها و خاطرات

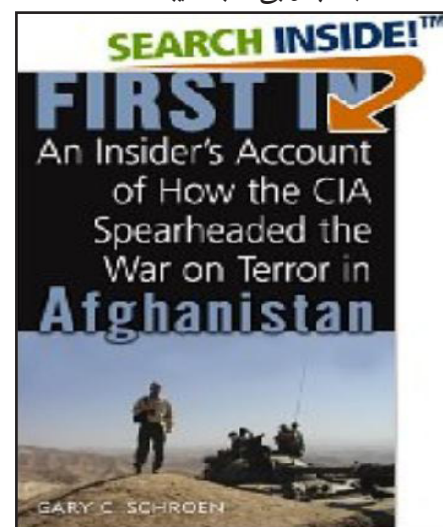
آوری میکند در تمام دوران فعالیت ۳۵ ساله اش  
به شکلی از اشکال با مسائل افغانستان سر و کار  
داشته و چند ماه قبل از کودتای هفت ثور خلق،  
در سفارت امریکا در اسلام آباد به حیث کارمند  
CIA شروع به فعالیت نموده است. طوریکه  
خود یاد آور میشود آخرین ماموریتش، رهبری  
نخستین تیم هفت نفری CIA بنام "الاشه  
شکن"، چند روز بعد از حادثه ۱۱ سپتمبر سال  
۲۰۰۱، در پنجشیر بوده است. کتابی نیز تحت  
همین نام "الاشه شکن" به قلم "گری برنتسن"  
عضو دیگر CIA در سال ۲۰۰۴ عیسوی به

درینجا مختصراً روی اسناد ارائه شده سازمان  
جاسوسی استخباراتی ایالات متحده امریکا  
CIA (سیا) پیرامون همکاری این سازمان با  
رهبران اتحاد شمال در سال ۲۰۰۱ مکتب می  
کنیم. تفصیل بیشتر این موضوع را میتوان در  
کتابی تحت نام "برای نخست در داخل"  
نوشته "گری شرون" یافت.

"گری شرون" [Gary C. Schroen] یکی  
از پرسابقه ترین و با تجربه کار ترین ماموران  
سابق CIA (سیا) در امور افغانستان و جنوب  
آسیا است طوریکه وی در زندگینامه اش یاد



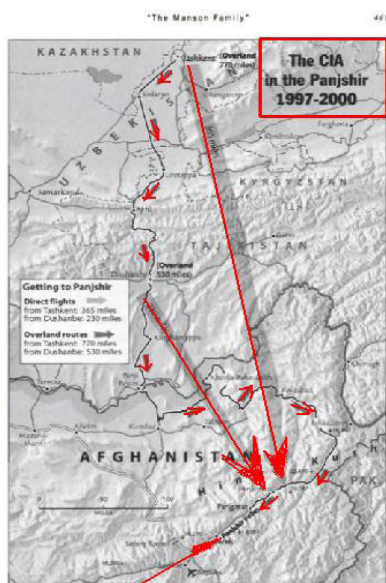
آخرین ماموریت چهل روزه "گری شرون"، از تاریخ ۲۶ سپتمبر ۲۰۰۱ الی تاریخ ۳ نوامبر ۲۰۰۱ عیسوی، در داخل افغانستان است. اگر چه ماموران سابق CIA و یا ژورنالیست های نزدیک به CIA، در سالهای اخیر مطالب فراوانی را پیرامون مسائل افغانستان به دست نشر سپرده اند؛ اما یکی از ویژگی های عمده این کتاب آن است که نویسنده کتاب از اکثر کمکهای نقدی CIA که در مدت ماموریت وی به "رهبران" و فرماندهان اتحاد شمال در سال ۲۰۰۱ پرداخت شده به تفصیل یادآوری نموده است که جالب و بی سابقه میباشد.



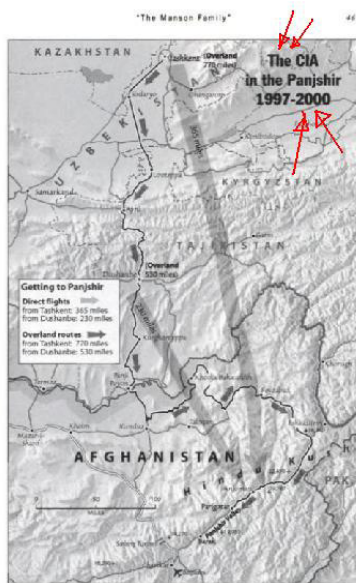
با وجودی که محتوای این کتاب ۴۶۵ صفحه ای موارد ضد و نقیض زیادی دارد و با وجودی که توسط یک جاسوس سابق CIA نوشته شده است، ولی باز هم افشاء کننده حقایق تلخ یک دوره از تاریخ معاصر افغانستان به حساب میرود.

وی در کتاب خود روی این نکته تاکید نموده که اگر نیروی اتحاد شمال در همکاری تنگاتنگ با ارتش امریکا قرار نمیگرفت، تصرف شهرها و ولایات افغانستان به دست خود نیروی های امریکایی غیر ممکن بود.

وی در قسمتهایی از کتابش یادآوری میکند که سازمان سیا به تقدیر از همکاری اتحاد شمال مبلغ ۵ میلیون دلار را در ظرف چهل روز برای رهبران و مسئولین ائتلاف شمال تقدیم نموده است. وی در این زمینه لیستی را ارائه داده و در آن تذکر داده که از هنگام شروع تدارک حمله نظامی ارتش امریکا به خاک افغانستان تا تاریخ شروع حملات نظامی ارتش امریکا یعنی از ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۱ الی ۱۷ اکتبر ۲۰۰۱ (مدت ۲۲ روز اولیه) صرف مبلغ ۳۵۸۲۰۰۰ (سه میلیون و پنجصد و هشتاد و دو هزار) دلار امریکایی را برای رهبران اتحاد



پنجشیر



Copyrighted material

بزرگ نمائی و علامت سرخ جهت معلومات بیشتر از "جنبش انقلابی جوانان افغانستان"

شمال تقسیم نموده است:

۲۵۰۰۰۰ ( دو صد و پنجاه هزار ) دالر را به تاریخ ۷ اکتبر در محله بازارک پنجشیر نقدا از CIA به دست آورده است.

۵. مارشال قسیم فهیم مبلغ ۱۲۰۰۰۰۰ ( یک میلیون و دوصد هزار ) دالر را به تاریخ ۱۷ اکتبر سال ۲۰۰۱ تحت نام کمک انسان دوستانه به مردم پنجشیر در آستانه پنجشیر اخذ نموده است.

۶. داکتر عبدالله نیز مبلغ ۲۵۰۰۰۰ ( دو صد و پنجاه هزار ) دالر را تحت نام کمک انسان دوستانه به مردم پنجشیر، در آستانه پنجشیر نقدا از CIA اخذ نموده است.

۷. قومندان عطا مبلغ ۲۵۰۰۰۰ ( دو صد و پنجاه هزار ) دالر را بتاريخ ۱۷ اکتبر ۲۰۰۱ از طریق مارشال قسیم فهیم بدست آورده است. این مبلغ به قسیم فهیم داده شده است تا به قومندان عطا فرستاده شود.

"گری شرون" علت فرستادن پول به قومندان عطا را صرف قهر بودن وی از CIA بنا بر پیوستن یک تیم دیگر CIA بنام "ستاره" با دوستم در جنوب ولایت بلخ عنوان نموده است. وی مینویسد: "احتمال درگیری قومندان عطا با دوستم تا زمانیکه یک تیم CIA با دوستم بود، برای ما سخت نگران کننده بود. من خواستم با ارسال پول برای عطا مانع جنگ بین دوستم و قومندان عطا شوم و هم به نوعی واضح سازم که CIA با تمام فرماندهان در یک مسافه قرارداد." "

شرح بیشتر را از زبان خود کتاب بشنوم: " رهبران اتحاد شمال در بدل همکاری های تنگاتنگی که با CIA داشته اند مستحق وجه نقدی به شرح ذیل شناخته شده اند که این وجه نقدی در جریان تدارک کارزار مبارزه علیه تروریسم بین المللی خصوصا تروریستهای مقیم افغانستان برای رهبران و مسئولان اتحاد شمال پرداخت گردیده است :

۱. انجینر عارف که از طرف "گری شرون" به حیث " رئیس دفتر استخبارات اتحاد شمال " برگزیده شده بود، مبلغ ۵۰۰۰۰۰ ( پنجصد هزار ) دالر در شب ۲۶ سپتمبر سال ۲۰۰۱؛ بازارک؛ ولایت پنجشیر.

۲. مارشال قسیم فهیم، مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰ ( یک میلیون ) دالر به تاریخ ۲۷ سپتمبر سال ۲۰۰۱ نقدا به دست آورده است. بازارک؛ ولایت پنجشیر

۳. عبدالرب رسول سیاف، مبلغ ۱۰۰۰۰۰ ( یکصد هزار ) دالر، به تاریخ ۲۹ سپتمبر سال ۲۰۰۱ در منطقه گلپهار.

۴. انجینر عارف " رئیس دفتر استخبارات اتحاد شمال " مبلغ ۲۲۰۰۰ ( بیست و دو هزار ) دالر را به تاریخ اول اکتبر سال ۲۰۰۱ و مبلغ ۱۰۰۰۰ ( ده هزار ) دالر را به تاریخ ۲ اکتبر ۲۰۰۱ در محله بازارک پنجشیر نقدا اخذ نموده است. همچنان نامبرده مبلغ

برای معلومات بیشتر راجع به کتاب " گری شرون " ، میتوانید به سایت های ذیل مراجعه نمایید:

(آدرس اول)

<http://scholar.google.com.pk/Histories+Secret+The+Wars,+Ghost=Bin+And+Afghanistan+CIA,+the+of+Invasion+Soviet+the+From,+Laden+UTF=ie, \=um, en=hl, September+To>

(آدرس دوم)

<https://www.randomhouse.com/results.pperl?authorid/author>  
۶۰۳۸۸=results.pperl?authorid/author



انقلابی و چه گروهی ضد انقلاب شناخته میشوند؟

جنبش انقلابی جوانان افغانستان بار دیگر با ورق زدن اسناد تاریخی افغانستان، گذشته تلخ تاریخ کشور را مورد ارزیابی و بررسی همه جانبه قرار میدهد. منسوبین جنبش انقلابی جوانان افغانستان تعهد بسته اند که در جریان مبارزه علیه اشغالگران امپریالیست و دست نشانده گانشان در مسیر برپایی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی، برای افشاء نمودن هر چه بیشتر امپریالیست های اشغالگر و روابط تنگاتنگ سازمان های جاسوسی شان با خائنین ملی و دست نشانده گانشان تلاش و کوشش نمایند.

ما باید هویت این دست نشاندهگان را برای مردمان ستمدیده کشور فاش نموده و مردم ستمدیده کشور را آگاهی دهیم. آنگاه قوت عظیم مبارزاتی خویش را در پیوند تنگاتنگ با کل مقاومت ملی، مردمی و انقلابی خلقهای زحمتکش کشور و به مثابه بخشی از سیلاب سهمگین، به حرکت درآوریم و قویترین قلعه های اشغالگران امپریالیست و دست نشاندهگان شان را ویران سازیم، تا فردایمان شگوفان، بری از سلطه امپریالیستهای اشغالگر و خائنین ملی دست نشانده شان باشد. بلا شبهه روزی فرا خواهد رسید که خائنین ملی و وطن فروشان، توسط توده ها به محاکمه علنی کشانیده شوند.

وی همچنان در مورد پرداخت پول برای عبدالرب رسول سیاف چنین مینویسد:

" زمانیکه بسته های نوت صد دلاری را که قبلا در یک پلاستیک شفاف پیچانده بودم روی میزی که در وسط اتاق گذاشته شده بود قرار دادم، برعکس دیگر فرماندهان اتحاد شمال که در لحظات اول کوشش میکنند به پول تمایلی نشان ندهند، سیاف با یک حمله برق آسا پول را از روی میز برداشت و برای مدت کوتاه با چشمان از حدقه برآمده به آن خیره شد. شاید هم میخواست متیقین شود که چه چیزی را در دست گرفته است؟ بعدا به شدت آنرا به طرف یکی از همکارانش پرتاب کرد. انگار که کچالوی داغی باشد و با یک لبخند به من نگاه نموده گفت " این اولین بار است که از کسی پول نقد قبول میکنم. "

جمله اخیر سیاف بی گمان گفتار شهزاده ترکی الفیصل رئیس سابق سازمان استخبارات سعودی را بخاطر میاورد که زمانی گفته بود: " هر گاهی که با سیاف و یا دیگر فرماندهان افغان، ملاقات میکردم، قبل از آغاز صحبت همیشه دفترچه حساب بانکی ام را در دست داشتم!! " تاریخ همه چیز را اثبات میکند! گذشت زمان به ما می آموزاند که چه کسانی خائنین ملی و چه کسانی خادمین ملی شناخته میشوند؟ چه کسانی در خدمت منافع خلق و چه کسانی در ضدیت با منافع خلق قرار دارند؟ چه کسانی جنگ خانمانسوز و چه کسانی جنگ خانمانساز را رهبری میکنند؟ و خلاصه اینکه چه گروهی

## افشای اختلاس ۹۱۷۵۱۲۰ افغانی و جعل اسناد در وزارت مالیه رژیم دست نشانده

و

## افشای یکتعداد قاچاقچیان مواد مخدر با پستهای کلیدی در دولت دست نشانده

غیره اعمال ضد انسانی و غیر عادلانه ای که هزاران انسان زحمتکش را داغدار میسازد، همه و همه ثمرات همین نظام امپریالیستی حاکم بر جهان است.

در کشوری که فاقد استقلال سیاسی است، فاقد آزادی حقیقی است، فاقد حقوق برابر و تساوی میان مردان و زنان است، نمیتوان ذره ای هم دم از مساوات، عدل و انصاف زد. دولت پوشالی آنچنان در فساد غرق است و آنقدر دامنه فساد در دوایر دولتی گسترده میباشد که از میان بردن آن در چوکات رژیم حاکم فعلی غیرممکن و دور از تصورات است!

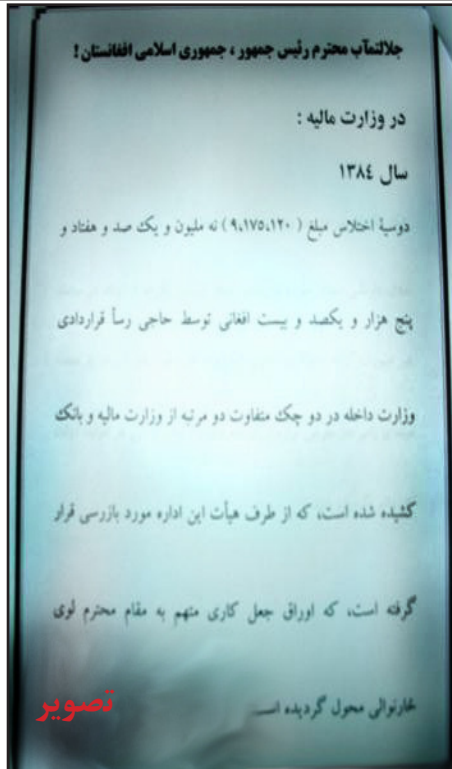
غارت و چپاول ثروت هایی که توسط خلقهای بی بضاعت این کشور ها تولید میشوند، به وجود آمده است. تا زمانیکه این غارت و چور و چپاول وجود داشته باشد، آنها نیز بر جهان حکومت میرانند.

در شرایط فعلی جهانی، نظام حاکم امپریالیستی نه تنها در افغانستان بلکه در سراسر جهان بذر مرگ، فقر، فلاکت و ویرانی می پاشد. جنگ های خانمانسوز و غیر عادلانه تجاوزکارانه و اشغالگرانه امپریالیستی، غارتگریها، توسعه و پخش مواد مخدر، تجارت زنان، اختطاف و قاچاق کودکان و

پیکار جوانان از همان آغاز کار نشراتی اش مرتباً یادآوری نموده است که فساد در درون دستگاه اداری رژیم پوشالی بطور سرسام آوری بیداد می کند.

همانطوریکه قبلا هم بار بار اشاره نموده ایم، باز هم یادآور میشویم که در کشور مستعمره - نیمه فئودال افغانستان، رژیم حاکم فعلی رژی می است کاملاً دست نشانده و حلقه ای است از حلقات وابسته به نظام جهانی امپریالیستی، نظامی که بر پایه استثمار زحمتکش خود کشور های امپریالیستی و مکیدن خون میلیونها انسان زحمتکش کشور های تحت سلطه و





"جلالتماب محترم رئیس جمهور،  
جمهوری اسلامی افغانستان!

در وزارت مالیه :

سال ۱۳۸۴

دوسیه اختلاس مبلغ (۹۱۷۵۱۲۰) نه میلیون و یک صد و هفتاد و پنج هزار و یکصد و بیست افغانی توسط حاجی رسا قرار دادی وزارت داخله در دو چک متفاوت دو مرتبه از وزارت مالیه و بانک کشیده شده است، که از طرف هیات این اداره مورد بازرسی قرار گرفته است، که اوراق جعل کاری متهم به مقام محترم لوی حارنوالی محول گردیده است."

اختلاس و دزدی به یک مسلک و پیشه برای اربابان زر و زور در نظام جاری کنونی تبدیل شده که حتی نمیتوانند آنرا کتمان کنند. خواهی نخواهی دزدی و اختلاس هایی که در درون دواير دولتی، از کاخ ریاست جمهوری کابل گرفته تا پایین ترین سطح تشکیلات اداری دولتی، ریشه دوانده است.

اختلاس در وزارت مالیه رژیم سر و صدای جهانی به پا کرده است و کسانیکه در این دستگاه کار میکنند نیز نمیتوانند آنرا نادیده بنگرند، بلکه به وضاحت کامل اذعان میدارند که به دولت تا چه حد غرق در فساد اداری بوده و پوشالی و متزلزل است. پاشیدگی و عدم تمرکز دولت نه تنها با وضاحت کامل عیان است، بلکه به صراحت لهجه به موجودیت آن اعتراف می گردد.

پیکار جوانان نقل قول هایی از شماره ۱۴۸ مشارکت ملی در باره معاشات چهل هزار دالری و حیف و میل دارایی های عامه را در شماره اول دور اول خود در مقاله ای تحت عنوان "معلم کیست" به بحث گرفته بود.

همچنان در شماره دوم دور اول خود گوشه هایی از گزارشات شماره ۲۴۹ هفته نامه کابل را در باره اعتراضات مردم علیه فساد اداری و جنایات والیان چندین ولایت به بحث گرفته بود.

خلاصه بعد از گذشت زمان تمامی حقایق ثابت شد. آنچه را که ما قبلا بیان میداشتیم، اکنون خود دولت دست نشانده نیز نمی تواند کتمان نماید.

کابل پرس در سایت خبری خود به ارتباط اختلاس در وزارت مالیه چنین مینویسد:

" آنچه در ادامه می آید، یک مورد از اختلاس و سوء استفاده در وزارت مالیه ی افغانستان می باشد که در گزارش سال ۱۳۸۴ ریاست عمومی مستقل مبارزه با ارتشاء و فساد اداری به رئیس جمهور کرسی به آن اشاره شده است. "

این گزارش آنقدر افشاء گرانه است که حتی دولت هم نمیتواند جوابی در مقابل آن داشته باشد، زیرا مکتوب وزارت مالیه خود ضمیمه این گزارش گردیده است. اگر چه این اختلاس مربوط به سال ۱۳۸۴ خورشیدی است ولی افشاء هر چه بیشتر این مسائل است که میتواند هویت پنهان دولت مزدور و دست نشانده را بخوبی به نمایش بگذارد.

اگر در تصویریری که ضمیمه شده بنگرید دیده میشود که در متن مکتوب ارسالی به " ریاست جمهوری افغانستان" چنین تحریر شده است :

× اسد الله وفا والی سابق هلمند نیز در کار قاچاق مواد مخدر بسیار پیش دست است.  
× اسدالله خالد والی قندهار به شیوه امریکایی قاچاق میکند. به همین خاطر هم است که نیروهای اشغالگرا امریکایی در خصوص انتقالات مواد مخدر با او همکاری هستند.

× مارشال فهیم نیز یکی دیگر از شخصیتهایی است که در کار قاچاق مواد مخدر چهره سر شناس محسوب می شود.

× یونس قانونی که خود یک بی قانون لجام گسیخته میباشد، دست کمی از برادران دیگر خود ندارد.

× ضرار احمد مقبل را باید چنین تعریف نمود که تقریباً تمام اعضای فامیل یعنی برادرانش در معامله قاچاق مواد مخدر پیش دستی داشته و معتاد نیز هستند.

× ستر جنرال بسم الله خان، لوی درستیز اردوی پوشالی، یک قدم نسبت به دیگران جلو تراست، زیرا غیر از قاچاق مواد مخدر، در قاچاق سلاح نیز متهم شناخته شده است. وی سلاح های ناکارآمد تنظیم شان را از شمال در همدستی با عطا محمد نور به ساحاتی که تحت تسلط طالبان میباشد، قاچاق می نماید و عواید فوق العاده ای به دست می آورد. چندی قبل افشاء شد که یکی از همکاران پنجشیری وی در هلمند دستگیر شده و به همه چیز اعتراف نموده است.

× حاجی دین محمد والی کابل که معلوم نیست در ولایت کابل چه فعالیت هایی را

به هر حال، فساد اداری در دواير دولتی چنان ریشه دوانده است که نه تنها اختلاس و قاچاق مواد مخدر بلکه حتی رشوه ستانی ها و اخاذی ها از مردم در تمام دواير دولتی خود به یک رسم عادی و معمولی مبدل شده و از قصر ریاست جمهوری تا ادارات دولتی و پوسته های به اصطلاح امنیتی رژیم در مسیر شاهراه ها، مثلاً شاهراه کابل - قندهار، شاهراه قندهار - هرات و یا دیگر شاهراه های افغانستان، را در بر گرفته است.

قوای به اصطلاح امنیتی رژیم امروز سراسر غرق در قاچاق مواد مخدر میباشند و تمامی دزدی ها، راه گیریها و اختطافات در مسیر شاهراه ها توسط همین پوسته های به اصطلاح امنیتی صورت میگیرد.

به این ارتباط خوب است تا چشم اندازی هم روی گردانندگان مافیای مواد مخدر افغانستان داشته باشیم. رهبران افغانستانی مافیای مواد مخدر در کشور به شرح ذیل شناسائی شده اند:  
× احمد ولی کرسی برادر حامد کرسی رهبر درجه اول مافیای مواد مخدر در ولایات قندهار، هلمند، ارزگان و زابل.

× رئیس اداره مبارزه با مواد مخدر سابقه جرمی در قاچاق مواد مخدر دارد.

× عزت الله واصفی متهم به قاچاق مواد مخدر در امریکا است.

× جنرال داود که فعلاً معین مبارزه علیه مواد مخدر میباشد نیز در این مورد تخصص عالی دارد.

انجام میدهد، مگر در کار و بار مواد مخدر و قاچاق آن توسط برادر زاده اش حاجی ظاهریکی از پیشتازان عمده محسوب می شود. سال گذشته یک مقدار مواد مخدر شان در دو راهی بگرام دستگیر گردید، ولی بعد از اینکه معلوم شد که از والی کابل است، کل بار ضبط شده رها ساخته شد.

به صراحت دیده میشود که متل معروف مردمی " سرخطا جمله خطا "، در این زمینه بخوبی صدق میکند؛ زیرا وقتی کرزی این عروسک دست نشاندۀ امپریالیستهای اشغالگر خودش

ذریعه برادرش کار و بار قاچاق را به شکل علنی پیش می برد، آیا دیگران را جرات نبخشیده که ازین طریق مبالغ هنگفتی بدست آورند؟

دولت دست نشاندۀ تنها میتواند توده های ستم دیده این کشور را که به شکلی از اشکال توسط باندهای مرتجع و وابسته به مافیای بین المللی معتاد شده اند و عواید روزانه خود را برای خرید مواد مخدر به مصرف می رسانند، دستگیر نموده و به پنجه به اصطلاح قانون، بسپارد. گر چه فعلا کسی

نیست که خود این قلدران حاکم و این جانیان میهن فروش را به محاکمه بکشاند، اما دیر نخواهد بود آن روز که توده های مردم، تحت رهبری نیروهای انقلابی، این جانیان را در دادگاه خلق به محاکمه بکشانند.

برای از بین بردن این گند و تعفن فقط یک راه موجود است و آن خشکاندن این گنداب و زدن انظام مستعمراتی - نیمه فئودالی حاکم بر کشور از بنیاد می باشد. نسل جوان کشور باید تحقق این هدف را در سرلوحه تمامی مسئولیت های اجتماعی خود قرار دهد.

## جواب به نامه های رسیده

دوست عزیز خود را با نام مستعار " مهمان " معرفی نموده و در قسمت نظرات و بلاگ جنبش انقلابی جوانان نظر خویش را خیلی خلاصه به شرح ذیل یاد داشت گذاشته است:

نویسنده: مهمان

چهارشنبه ۹ مرداد ۱۳۸۷ ساعت: ۱۷:۵۹

به پیش در راه برپایی و پیشبرد مقاومت ملی - مردمی و انقلابی!

مرگ بر امپریالیزم و ارتجاع!

مرگ بر اشغالگران!

مرگ بر رژیم پوشالی!

زنده باد آزادی! زنده باد استقلال!

تابکی شعار

تابکی شعار

تابکی شعار

تابکی شعار

تابکی شعار

تابکی شعار

تابکی شعار

دوست عزیز! طرح شعار های مناسب یکی از ضرورت های مهم هر مبارزه سیاسی جدی است. صرفنظر از اینکه مبارزه در کدام مرحله خود قرار داشته باشد، این ضرورت هیچگاه منتفی نمی گردد و همیشه وجود دارد. به عبارت دیگر طرح شعار های مناسب بخش مهمی از تبلیغات سیاسی است و تبلیغات سیاسی امری نیست که در مرحله ای از مراحل یک مبارزه سیاسی منتفی گردد، بلکه همیشه مورد احتیاج می باشد.

اما اگر منظور تان این باشد که " جنبش انقلابی جوانان " صرفا شعار می دهد و دست به کار دیگری نمی زند، باید بگوئیم که

این نتیجه گیری تان درست نیست.

ما نه تنها شعار می دهیم، بلکه دست به مبارزات عملی نیز می زنیم. مشخصا تبلیغات ما نیز صرفا منحصر به طرح شعارها نیست. مثلا انتشار نشریه پیکار جوانان صرفا شعار دهی نیست، بلکه یک کار تبلیغاتی همه جانبه است. ما بالای خزانه ایستاده نیستیم و برای نشر و پخش وسیع این نشریه، چه بصورت چاپی و چه بصورت الکترونیکی، رفقا و دوستان ما از نان شباروزی خود و خانواده های می زنند.

ما پیوسته در مورد اشغالگران و رژیم دست نشانده دست به افشاگری می زنیم و ماهیت و هویت آنها را برای هموطنان و جهانیان بر ملا می کنیم.

ما به مناسبت های مختلف اعلامیه هایی منتشر می سازیم و این اعلامیه ها را بصورت شبنامه ها در میان مردم پخش می کنیم.

پخش آگاهی انقلابی در میان نسل جوان کشور، بخش مهمی از کار و پیکار سیاسی ما را میسازد. ما می کوشیم جوانان کشور را با شعور سیاسی انقلابی مجهز نمائیم، از لحاظ سیاسی تربیت شان کنیم و بخاطر پیشبرد مبارزه و مقاومت متشکل شان سازیم.

ما ترویج هنر انقلابی را بخش لاینفک از مسئولیت های مبارزاتی مان می دانیم و در راستای اجرای این مسئولیت مبارزاتی تا حال قادر شده ایم گروه های هنری ای سازمان دهی نمائیم و تولیدات هنری شان را در میان مردم پخش نمائیم. در پیشبرد این کار نیز همانند پخش و نشر پیکار جوانان، رفقا و دوستان ما از آبله دست و عرق جبین مایه می گزارند.

ما در هر جائیکه بتوانیم و شرایط اجازه دهد، چه در داخل کشور و چه در بیرون از مرزها، به مناسبت های مختلف تجمعات و گرد همایی های مبارزاتی توده یی برگزار می کنیم.

ما در هر جائیکه بتوانیم و شرایط اجازه دهد، چه در داخل کشور و چه در بیرون از مرزها، در راهپیمایی ها و اعتراضات توده یی رزمنده و مقاومت جویانه شرکت می کنیم و سعی به عمل می آوریم که این راهپیمایی ها و اعتراضات را سمت و سوی ملی، مردمی و انقلابی دهیم.

یقینا پیشبرد این فعالیت های مبارزاتی انقلابی را ما خود هم بسنده نمی دانیم و سعی داریم سطح فعالیت های مبارزاتی مان را هر چه بیشتر عمق و گسترش دهیم. البته دوستان ما نیز از ما چنین توقع دارند. ما با تمام طاقت و توان مان سعی می نمائیم به چنین توقعاتی جواب مثبت دهیم.

اما در عین حال یاد آور می شویم که دز این راستا به کمک ها و همکاری های همه جانبه و روز افزون دوستان مان نیز نیازمندیم. بنا برین این دوستان باید پا پیش بگذارند و با سهمگیری فعال در پیشبرد مبارزات و مقاومت ها در رشد و شگوفایی کلیت مبارزات و مقاومت های ملی مردمی و انقلابی سهم بگیرند. هر فرد و نیروی انقلابی مسئولیت ها و وظایف ملی مردمی و انقلابی خود را دارد و قبل از همه باید سعی نماید که این مسئولیت ها و وظایف را با اصولیت، شجاعت و به موقع ادا نماید.

نویسنده: معمار

سه شنبه ۲۹ مرداد ۱۳۸۷ ساعت: ۱۳:۲۲

رفقا سلام!

امید وارم که صحت و سلامت باشید گرچه من تا بحال نمیدانم که گروپ انقلابی جوانان با کدام حزب و یا سازمان سیاسی وابستگی دارد و رهبریت آن به دوش کیست؟ فلهذا باز هم در این شرایط از کار شما قدر دانی نموده امید وارم که در این برهه از زمان نقش موثر در جهت صلح و آرامش مردم ما گامهای متین و استواری را بر دارید که پیش از هر چیزی دیگر ضرورت فعلی جامعه افغانستان صلح و آرامش است.

رفیق محترم! سلام متقابل ما را بپذیرید.

اگر دقت کرده باشید، نام ما "گروپ انقلابی جوانان" نیست، بلکه "جنبش انقلابی جوانان افغانستان" است. نا گفته پیداست که میان این دو نام صرفا یک تفاوت لفظی نمی تواند وجود داشته باشد. امید واریم دوستان ما این مسئله را در نظر بگیرند و ما را بنام خود ما بنامند، و نه با نامی که خود شان وضع می کنند.

رفیق محترم!



از حسن نیت تان نسبت به جنبش انقلابی جوانان افغانستان قدر دانی می کنیم. اما با ذهنیتی که شما در این نامه تان بروز داده اید، ما تصور نمی کنیم که بتوانید واقعا از ما قدر دانی نمائید. شعار اصلی جنبش انقلابی جوانان افغانستان در شرایط فعلی مبارزه برای برپایی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده آنها است؛ در حالیکه به نظر شما " ضرورت فعلی جامعه افغانستان، پیش از هر چیز دیگری، صلح و آرامش است. "

نویسنده: ظاهر معمار

جمعه ۱۵ شهریور ۱۳۸۷ ساعت: ۱۵:۱۳

دوستان انقلابی سلام

بمباران هوایی قریه عزیزاباد ولسوالی شیندند را توسط نیروهای امریکای را محکوم مینمایم دوستان انقلابی با محکوم نمودن کاری از بیش برده نمیشود و نیروهای بین المللی ایساف و امریکا در فکر محکومیت نیست انان کار خود را میکنند و پروگرام خویش را دنبال میکند و کار خود را آنچه که پرگرام نموده همان را به انجام میرسانند . پس چه باید کرد ؟

ایا شما نیز غیر از محکوم نمودن کاری دیگری روی دست داریدو یا فقط راه حل را رد همین محکومیت ها میدانید ؟ کار غیر از محکومیت را حالا گروه طالبان انجام میدهند . ایا موافق کار طالبانی هستید ویا خیر و چرا ؟ اگر موافق کار از نوع طالبانی هستید چگونه ؟ واگر نیستید به کدام نوع مبارزه علیه نیروهای استعمار گر موافق هستید ؟

دوست عزیز!

محکوم نمودن عملکرد های جنایتکارانه اشغالگران و رژیم مزدور خود سطحی از مبارزه و مقاومت علیه آنها است. از اینکه خود تان نیز به این کار دست می زنید، خوشنود هستیم. یقینا صرف از طریق این محکوم کردن ها نمی توان اشغالگران را وادار به خروج از افغانستان نمود و رژیم دست نشانده را سرنگون کرد. مبارزات و مقاومت ها علیه آنها باید یکسلسله مبارزات و مقاومت های همه جانبه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و شامل اشکال قهری و غیر قهری باشد. اگر این محکوم نمودن ها بخشی از سلسله مبارزاتی و مقاومتی متذکره باشد، به نوبه خود و در حد خود تاثیر دارد و اینطور نیست که با آنها کاری از پیش نمی رود. این محکوم نمودن ها و افشاگری ها زمینه های ذهنی بیشتری برای مبارزات و مقاومت های ضد اشغالگران و رژیم پوشالی به وجود می آورد و آنها را عمق و گسترش بیشتری می بخشد.

یقینا در این میان مبارزات و مقاومت های قهری اند که نقش مرکزی و عمده در مجموع این مبارزات و مقاومت ها بازی می نمایند، اما اشکال مبارزات و مقاومت های غیر قهری نیز نباید نادیده گرفته شده و به فراموشی سپرده شوند، چرا که خود بخشی از مبارزات و مقاومت های مورد ضرورت فعلی بوده و به نوبه خود نقش موثر و کار ساز بازی می نمایند.

اینکه می گوئید کار غیر از محکومیت را حالا گروه طالبان انجام می دهند، درست نیست. البته این درست است که تا حال، این گروه طالبان و گروه های مشابه هستند که به مقاومت مسلحانه دست زده

اند. اما این گفته را نباید اینگونه تفسیر کرد که دیگران، منجمله جنبش انقلابی جوانان افغانستان، کار دیگری غیر از محکوم ساختن عملکرد های اشغالگران و رژیم دست نشانده انجام نمی دهند. مبارزات و مقاومت ها علیه اشغالگران و دست نشانده گان شان، اشکال و صورت های گوناگون دارد. مثلا مظاهرات و حرکت های اعتراضی توده یی را همه ما روز مره در گوشه و کنار کشور شاهد هستیم. گرد همایی ها و راهپیمایی های اعتراضی توده یی، تبلیغات سیاسی افشاگرانه، فعالیت های هنری انقلابی، پخش اعلامیه ها و شبنامه ها و اشکال مختلف مقاومت منفی، صورت های دیگری از مبارزات و مقاومت ها علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده محسوب می گردد.

آنچه را طالبان و گروه های مشابه طالبان انجام می دهند، یک مقاومت مسلحانه اسلامی، فتوئال کمپرادوری و ارتجاعی است. ما طرفدار برپایی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی همه جانبه هستیم.

## مادروطن

در جمله ساکنان در جمله ساکنان  
زنده است جاویدان زنده است جاویدان

توزاد گاه شان توزاد گاه شان  
ممزوج خون شان ممزوج خون شان

توفیر جنس شان توفیر جنس شان  
پندار دشمنان افکار پوچ شان

واحد حساب شان واحد حساب شان  
آزاد رای شان آزاد رای شان

بهر نجات شان بهر نجات شان  
از دست و پای شان از دست و پای شان

تهداب کار شان تهداب کار شان  
تبعیض پیشگان تبعیض پیشگان

مردود راه شان مردود راه شان  
سرتاسر جهان سرتاسر جهان

مادر وفا و مهر تودر قلب هر جوان  
افغان و هم هزاره و تاجیک و ازبکان

فرزند توست هر که درین خاک زاده شد  
گشته هوا و نعمت و مهر و وفای تو

فرق نژاد و مذهب و جنس و قد و لسان  
بی اعتبار و فاقد معناست فرق شان

مادر به چشم ماست همه ساکنان تو  
یکسان بود به دیده ما حق مرد و زن

پیکار ماست بهر حقوق ستمکشان  
بهر شکست حلقه بیداد ارتجاع

قانون ارتجاعی و فرهنگ و اقتصاد  
حافظ شکسته باد به گیتی ستمگران

بادا سیاه به صفحه تاریخ نام شان  
پاینده باد وحدت دهقان و کارگر

**بمباران هوایی قریه نوآباد - عزیز آباد ولسوالی شیندند ولایت هرات را  
تقیح کنیم و خشم و انزجار خود را  
در مسیر برپائی و پیشبرد مقاومت ملی، مردمی و انقلابی سرتاسری  
علیه اشغالگران امپریالیست و رژیم پوشالی سوق دهیم!**

اعلامیه ای که در تقبیح بمباران هوایی خودسرانه نیروهای امپریالیستی بالای قریه نوآباد توسط جنبش انقلابی جوانان افغانستان بصورت سرتاسری پخش گردید. صفحه ۱۱

**افشای اختلاس ۹۱۷۵۱۲۰ افغانی**

**و**

**جعل اسناد در وزارت مالیه رژیم دست نشانده**

**و**

**افشای یکتعداد قاچاقچیان مواد مخدر با پستهای  
کلیدی در دولت دست نشانده**

پیکار جوانان از همان آغاز کار نشراتی اش مرتبا یادآوری  
نموده است که فساد در درون دستگاه اداری رژیم پوشالی  
بطور سرسام آوری بیداد می کند.  
صفحه ۱۴

**رهبران جهادی خاین در همکاری با**

**CIA**

**( سازمان جاسوسی ایالات متحده امریکا )**

درینجا مختصرا روی اسناد ارائه شده سازمان  
جاسوسی استخباراتی ایالات متحده امریکا CIA (سیا)  
پیرامون همکاری این سازمان با رهبران اتحاد شمال در  
سال ۲۰۰۱ مکت می کنیم....  
صفحه ۱۲

**جواب به نامه های رسیده**

صفحه ۱۶

**انقلاب مجلس مهمانی نیست مقاله نویسی نیست نقاشی یا گلدوزی نیست  
انقلاب نمی تواند آنقدر ظریف و آرام، آنقدر نجیب و معتدل، آنقدر مهربان و مؤدب،  
آنقدر خوددار و با شفقت باشد. انقلاب شورش و طغیان است، انقلاب عملی است قهر  
آمیز که بدان وسیله یک طبقه، طبقه دیگر را واژگون می سازد.**

**نشانی های جنبش انقلابی جوانان افغانستان**

وب سایت ( تارنمای ) جنبش انقلابی جوانان افغانستان :

[www.afghanistanrymo.org](http://www.afghanistanrymo.org)

پست های الکترونیکی (ایمیل آدرسها) :

مقالات و گزارشات تان را به این ایمیل آدرسها به ما ارسال بدارید:

[paikarejawan@gmail.com](mailto:paikarejawan@gmail.com)

[basoye@hotmail.com](mailto:basoye@hotmail.com)

[soray1364@yahoo.com](mailto:soray1364@yahoo.com)

نظرات - پیشنهادات و انتقادات تان را به این ایمیل آدرسها به ما ارسال بدارید:

[jawanaan@gmail.com](mailto:jawanaan@gmail.com)

[afghanistan123@hotmail.com](mailto:afghanistan123@hotmail.com)

